



University of Tehran Press

Economic Research

Online ISSN: 2586-6118

Homepage: <https://jte.ut.ac.ir>

The Impact of Poverty on Households' Food and Non-Food Consumption Patterns in Iran: Evidence from Difference in Difference Models

Leyla Jabari^{*}, Ali Asghar Salem¹

1. Department of Theoretical Economics, Faculty of Economics, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

^{*} Corresponding author

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	In recent years, poverty has emerged as a global challenge and a critical barrier to development, significantly expanding worldwide. In Iran, despite constitutional mandates aimed at poverty reduction, this issue has continued to escalate, affecting household consumption patterns. However, the quantitative impact of poverty on the consumption behaviors of Iranian households has yet to be analyzed. The main objective of this study was to examine the effects of poverty on the consumption patterns of food and non-food sub-groups among urban and rural households in Iran during 2018 and 2019. Using the Difference-in-Differences, we analyzed the impact of poverty on Iranian household's consumption patterns. We find a significant negative effect of poverty on expenditures of vegetables, fruits, meat, health, transportation, and clothing sub-groups in Iran. In contrast, poverty had a significant positive effect on the communication sub-group's expenditures. These results underscore the complex relationship between poverty and Iranian household consumption behaviors, highlighting the need for targeted policy interventions to mitigate the adverse effects of poverty on household consumption patterns and welfare.
Article History:	
Received: 2024-04-14	
Revised: 2025-01-16	
Accepted: 2025-02-25	
Published: 2025-03-29	
Keywords: <i>Absolute Poverty, Consumption Pattern, Difference-in-Difference.</i>	
JEL Classification: <i>D9, I30, D190.</i>	

Jabari, L., & Salem, A. A. (2024). The Impact of Poverty on Households Food and Non-Food Consumption Patterns in Iran: Evidence from Difference in Difference Models. *Journal of Economic Research*, 59(4), 638-676.

©The Authors

Publisher: The University of Tehran Press.



DOI: [10.22059/jte.2025.375086.1008908](https://doi.org/10.22059/jte.2025.375086.1008908)

اثر فقر بر الگوی مصرف خوراکی و غیر خوراکی خانوارها در ایران: شواهدی از مدل تفاضل در تفاضل

لیلا جباری^{۱*} ، علی اصغر سالم^۱ 

۱. گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	در سال‌های اخیر، فقر به عنوان یک چالش جهانی و یک مانع اساسی توسعه مطرح شده که در جهان به شکل قابل توجهی رو به افزایش است. در ایران نیز علی رغم تأکید قانون اساسی برای کاهش فقر، این پدیده ناخوشایند، رو به گسترش بوده که تأییراتی بر الگوی مصرف خانوار به همراه داشته است. با این حال علی رغم اهمیت این موضوع، اثر کمی فقر بر رفتار مصرفی خانوارهای ایرانی تاکنون مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. بنابراین هدف مطالعه حاضر، بررسی اثر فقر بر الگوی مصرف زیرگروه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در ایران است. از این رو، با استفاده از روش تفاضل در تفاضل اثر فقر بر الگوی مصرف خانوارها بررسی شده است. نتیجه اصلی این مطالعه حاکی از آن است که اثر منفی و معناداری بر مخارج حمل و نقل، پوشاک، سلامت، سبزی‌ها، میوه‌ها و گوشت‌ها داشته است. در مقابل اثر این متغیر بر مخارج ارتباطات در ایران مثبت و معنادار است. نتایج به دست آمده رابطه پیچیده میان رفتار مصرفی خانوار و فقر را مورد تأکید قرار داده و نیاز به مداخلات سیاسی هدفمند برای کاهش اثرات نامطلوب فقر بر الگوی مصرف خانوار و رفاه آنان را برجسته می‌نماید.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰	
کلیدواژه‌ها:	
الگوی مصرف،	
تفاضل در تفاضل،	
فقر مطلق.	
طبقه‌بندی JEL:	
D9, I30, D190	

جباری، لیلا، و علی اصغر، سالم. (۱۴۰۳). اثر فقر بر الگوی مصرف خوراکی و غیرخوراکی خانوارها در ایران: شواهدی از مدل تفاضل در تفاضل. *تحقیقات اقتصادی*، ۵۹(۴)، ۶۴۰-۶۷۶.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.



DOI: ۱۰.۲۲۰۵۹/jte.2025.375086.1008908

۱- مقدمه

در چند دهه اخیر، فقر به یک چالش جهانی تبدیل شده و به گفته سازمان ملل متحد در زمره سه مشکل اساسی توسعه اجتماعی-اقتصادی قرار گرفته است (چن^۱ و همکاران، ۲۰۲۱؛ اشمیت^۲ و همکاران، ۲۰۲۱؛ زنگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۳)؛ چرا که فقر و توسعه دو مفهوم در هم تنیده هستند که می‌توان آن‌ها را دو روی یک سکه در نظر گرفت (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰). اگر چه سازمان ملل متحد از سال ۲۰۲۰ تلاش‌های خود برای کاهش فقر در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار را چندین برابر کرده، اما این مسأله به یکی از ویژگی‌های بارز این اقتصادها تبدیل شده و مشکلات بسیاری را برای این کشورها به وجود آورده است (بلوچ^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). به‌طوری‌که منجر به توزیع ناعادلانه منابع میان افراد شده و مشکلاتی در زمینه سلامت، امنیت اقتصادی و رفاه اجتماعی برای افراد فقیر ایجاد کرده است (هیپشر^۵، ۲۰۱۳؛ گیل^۶ و همکاران، ۲۰۲۳؛ اشمیت و همکاران، ۲۰۲۱). در کنار تمامی این مشکلات، فقر با تغییرات گسترده در الگوی مصرف خانوارها همراه شده، زیرا فقر با کاهش درآمد سرانه و بودجه خانوارها در ارتباط است و می‌تواند دسترسی به برخی از کالاها و خدمات را محدود کند. این پدیده ناخوشایند، با ایجاد الگوهای رفتاری که ریشه در علم روانشناسی دارند سبب کاهش سلامت روان و خودکنترلی افراد شده و آنان را به سمت کاهش مصرف برخی از گروه‌های خوراکی سالم مانند میوه‌ها و سبزی‌ها و افزایش مصرف برخی از کالاهای مضر مانند شیرینی‌ها و چربی‌ها سوق داده است و خانوارهای فقیر را در مسیری قرار داده که آنان در انتخاب غذا، حس سیری‌پذیری را نسبت به سلامت غذا در اولویت قرار دهند (دومینگز-ویرا^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). از طرفی فقر بودجه خانوار را محدود کرده و با ایجاد محدودیت در بودجه خانوار، میزان تقاضای خانوار برای کالاهای خوراکی را کاهش دهد (آمگا^۸ و همکاران، ۲۰۲۳). فقر با ایجاد یک رژیم غذایی نامناسب سبب آسیب به سلامت آنان شده، زیرا رژیم غذایی نامناسب و ضعیف با بیماری‌های مزمن، مرگ و میر کودکان و کاهش رشد افراد در ارتباط است (حیات^۹ و همکاران، ۲۰۲۳). از طرفی، مطابق با نظریه وبلن و نظریه‌های تعمیم‌یافته از آن، فقر، خانوارها را به سوی مصرف تظاهری سوق داده و آنان را از هزینه بر روی برخی از کالاها و خدمات مانند آموزش و بهداشت که به‌نوعی سرمایه انسانی آتی محسوب می‌شوند، باز داشته است. این امر شانس خروج خانوارها از فقر را کاهش داده و یک تله فقر ایجاد کرده است (مواو و نیمن^{۱۰}، ۲۰۱۲).

1. Chen

2. Schmidt

3. Zeng

4. Baloch

5. Hipsher

6. Gill

7. Dominguez-Viera

8. Amega

9. Hayat

10. Moav and Neeman

همچنین، فقر با ایجاد بیماری‌های سلامت روان ناشی از استرس‌های مالی و کاهش خودکنترلی افراد، سبب گسترش مصرف برخی از کالاهای آسیب‌رسان به سلامت مانند دخانیات شده و مشکلات جدی برای سلامت افراد مانند بیماری‌های قلبی-عروقی ایجاد نموده است (آدامکوویچ و مارتونچیک^۱، ۲۰۱۷). چنین نتایجی، مبارزه با فقر و پیشگیری از پیامدهای منفی آن برای مصرف و سلامت خانوار را به یک اولویت جهانی تبدیل کرده که اجرای سیاست‌های کارا و اقدامات دقیقی را در این زمینه می‌طلبد. لازمه چنین اقداماتی شناسایی میزان و چگونگی اثرگذاری فقر بر الگوی خانوار است؛ چرا که بررسی پاسخ الگوی مصرف خانوارها به عوامل تعیین‌کننده‌ای مانند فقر، شواهد تجربی فراهم می‌آورد که واسطه‌گران، تولیدکنندگان و سیاستمداران، الگوهای مصرف سازمان‌یافته را در میان فقرا درک کنند و به‌درستی در هنگام وقوع شوک‌های اقتصادی به نیازهای آنان پاسخ داده و مشکلات ناشی از تغییرات در الگوی مصرف خانوار را با پاسخ سیاست‌های کارا، تعدیل نمایند (بلیجیک و یان^۲، ۲۰۱۳).

ایران نیز از جمله کشورهایی است که در قالب بندهای مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۲۹، ۳۱ و ۴۳ ریشه‌کن نمودن فقر را مورد تاکید قرار داده و اقداماتی نیز در جهت کاهش فقر انجام داده، اما به دلایل مختلف اقتصادی- اجتماعی در این زمینه موفقیتی کسب نکرده و نرخ فقر در این کشور همچنان با روند فزاینده‌ای از سال ۱۳۸۵ افزایش یافته و به ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است (کاویانی و همکاران، ۱۴۰۲؛ کریمی وحشمتی دایاری، ۱۴۰۰). این کشور به‌دلایل گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله تحریم‌های بین‌المللی، طی چندین سال گذشته دائماً در معرض نوسانات مختلف ارزی قرار گرفته و افزایش‌های شدیدی در نرخ ارز را تجربه کرده است. گاهی این تغییرات آن قدر شدید بوده که در محافل اقتصادی از آن‌ها به عنوان جهش‌های ارزی یاد شده است (کاویانی و همکاران، ۱۴۰۲). این تکانه‌های نامطلوب، منجر به عدم قطعیت در خصوص قیمت‌های اسمی، افزایش هزینه‌های تولید، کاهش سود بنگاه‌ها، ریسک در تولید، اخلال در تصمیم‌گیری‌های تولیدکنندگان و در نهایت کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی شده است (معیری و همکاران، ۱۳۹۶). از طرفی دیگر با شروع جهش‌های ارزی در داخل کشور، برخی از خانوارها، فقر را تجربه کرده و توانایی خود برای خرید کالاها و نیازهای اساسی خود مانند خوراک، پوشاک و مسکن را از دست داده‌اند، که شاید بتوان از این تکانه‌های ارزی به عنوان یکی از دلایل این مسأله یاد کرد (کریمی و وحشمتی دایاری، ۱۴۰۰). فقر ایجادشده ممکن است در ایران نیز سبب تغییراتی در الگوی مصرف و معیشت خانوارهای این کشور شود و مشکلاتی را برای آنان در حوزه سلامت و رفاه ایجاد کند. با این حال با وجود اهمیت چنین مسأله‌ای، کمتر به

^۱. Adamkovic and Martoncik^۲. Bilijik and Yan

تجزیه و تحلیل این موضوع در ایران با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی با در نظر گرفتن تمامی گروه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوارها پرداخته شده و مطالعات موجود یا فقط بر اثر مصرف برخی از گروه‌های خاص مانند دخانیات و نوشیدنی‌های الکلی متمرکز شده‌اند یا تنها الگوی مصرف خانوارهای فقیر و ثروتمند را بایکدیگر مقایسه نموده‌اند. به عبارتی مطالعات به‌طور دقیق میزان اثرگذاری فقر درآمدی مطلق^۱ را بر میزان مصرف و چه ترکیب کالاها که به نوعی الگوی مصرف و معیشت خانوار محسوب می‌شود را مورد بررسی قرار نداده‌اند. لذا مطالعه پیش‌رو با هدف شناسایی اثر فقر درآمدی مطلق بر میزان مصرف و معیشت خانوار از گروه‌های مختلف کالاها و خدمات و ترکیب آن‌ها و ارائه استراتژی‌هایی در جهت کنترل پیامدهای منفی فقر درآمدی مطلق بر میزان و ترکیب مصرفی کالاها و خدمات با تأکید بر گروه‌های خوراکی در ایران ۱۳۹۸ انجام شد. بدین منظور ابتدا داده‌های مربوط به مصرف کالاها و خدمات مختلف در قالب شانزده گروه شامل هفت گروه کالاهای خوراکی (شامل گروه‌های گوشت، سبزی‌ها، میوه‌ها، شیر و لبنیات، نان و غلات، قند، شکر و شیرینی‌ها و روغن و چربی‌ها)، نه گروه کالاها و خدمات غیرخوراکی (شامل آموزش، انرژی، بهداشت و درمان، هتل و رستوران، تفریحی و سرگرمی، پوشاک، ارتباطات، دخانیات، حمل و نقل) و داده‌های مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در سطح خانوارهای شهری و روستایی و داده‌های مربوط به قیمت در سطح مناطق شهری و روستایی هر استان، به‌ترتیب از داده‌های طرح درآمد-هزینه خانوار و داده‌های شاخص قیمت مصرف‌کننده مرکز آمار ایران برای دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ که مقارن با جهش‌های ارزی پس از خروج ایالت متحده از برجام است، استخراج شد. سپس از مدل تفاضل در تفاضل برای بررسی اثر شوک فقیرشدن خانوار بر الگوی مصرف آنان استفاده شد که ضمن مقایسه متغیر وابسته، قبل و بعد یک شوک، اثر تجمعی کل اقتصاد را کنترل می‌نماید. به‌طور خاص این روش، تفاوت عملکردی متغیر وابسته را قبل و بعد یک شوک (در این مطالعه، فقیرشدن خانوارها) را با کنترل سایر شرایط، عوامل و تغییرات، در دو گروه کنترل و تیمار برآورد کرده و هر گونه انحرافی در متغیر وابسته (در این مطالعه گروه‌های مختلف هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی) را به تغییرات یا شوک‌های به وقوع پیوسته منتسب می‌کند.

در نهایت، این مطالعه در قالب شش بخش ارائه می‌شود، در بخش دوم پس از مقدمه، ادبیات نظری در حوزه اثر فقر بر الگوی مصرف خانوار ارائه می‌گردد، در بخش سوم، مطالعات پیشین در این خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرد، در بخش چهارم روش برآورد مدل، الگوی

۱. فقر مطلق به صورت ناتوانی در کسب حداقل‌های

زندگی تعریف می‌گردد (مرکز پژوهش‌های مجلس

شورای اسلامی، ۱۴۰۲).

اقتصادسنجی و داده‌ها معرفی خواهند شد. در بخش پنجم اثرات فقر بر الگوی مصرف در کنار سایر متغیرهای اثرگذار بر الگوی مصرف خانوارها تجزیه و تحلیل می‌شود و در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی ارائه می‌گردد.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱ پیشینه نظری

بررسی تقاضای خانوار بر روی کالاها و خدمات، قدمت فراوانی در علم اقتصاد دارد، از زمانی که هاجسون^۱ (۱۹۵۳) اثر منفی قیمت بر تقاضا و مصرف خانوار را تأیید نمود، تجزیه و تحلیل تقاضای خانوار، در ادبیات اقتصادی بسیار رونق گرفته و تا امروز نیز ادامه دارد. پس از هاجسون محققان بسیاری مانند فلمینگ جنکین^۲ بررسی تقاضای خانوار را ادامه داده و تقاضای خانوار را در قالب الگوهای ریاضی و هندسی الگوسازی نمودند. این مطالعات سنگ بنایی برای بررسی‌های بیشتر در زمینه عوامل مؤثر بر تقاضای خانوار شده و عوامل بسیاری مانند سلیقه و ترجیحات، آب و هوا، تحصیلات، درآمد و... شناسایی شدند که بر مصرف و تقاضای خانوار اثر می‌گذارند که یکی از این عوامل فقر است. طبق این مطالعات فقر می‌تواند از طریق مکانیسم‌های خاصی، تغییراتی در الگوی مصرف خانوار ایجاد کند که در ادامه این مکانیسم‌ها در قالب نظریه وبلن^۳، نظریه کوزی^۴، نظریه مصرف جبرانی، مصرف علامت دهی^۵، نظریه روانشناختی، نظریه کمیایی، قانون انگل^۶، قانون بنت^۷ و نظریه سیستم‌های دوگانه ارائه می‌شوند.

۲-۱-۱ اثر وبلن و الگوی مصرف خانوار

در اثر وبلن، فقر، خانوار را به سمت هزینه بیشتر بر روی برخی از کالاها و خدمات مانند دخانیات، نوشیدنی‌های الکلی و هزینه کمتر بر روی برخی از کالاها و خدمات مانند آموزش و بهداشت و در نهایت مصرف تظاهری سوق می‌دهد. با ارائه نظریه اسمیت^۸ (۱۷۵۹) و وبلن (۱۸۹۹) ادبیات عظیمی در علوم اجتماعی و اقتصادی، به این موضوع اختصاص یافتند که مردم وضعیت خود در گروه‌های اجتماعی را در نظر می‌گیرند و سعی می‌کنند، وضعیت خود را بهبود دهند. بسیاری از

^۱. Hucheson

^۲. Fleming Jenking

^۳. Veblen

^۴. Cozzi

^۵. Signalling

^۶. Engel's law

^۷. Bennet's law

^۸. Smith

مطالعات مانند دوزنبری^۱ (۱۹۴۹)، فرانک^۲ (۱۹۸۵) و چارلز^۳ و همکاران (۲۰۰۹)، مصرف را به عنوان سیگنالی برای درآمد مشاهده نشده در نظر می گیرند و بیان می کنند که مردم به مصرف نسبی خود اهمیت می دهند و پیامدهای رفاهی را در ترجیحات مصرفی خود در نظر می گیرند. ثروتمندان که میانگین درآمدی بالاتری دارند، مصرف تظاهری مانند مصرف لباس بسیار لوکس و جواهرات کمتری دارند، این درحالی است که فقرا که در گروه های اجتماعی-اقتصادی با میانگین درآمد پایین تر قرار دارند، شرایط کاملاً برعکس ثروتمندان است و آنان مصرف تظاهری بیشتری دارند که این الگوی رفتاری سبب ایجاد یک تله فقر در بلندمدت می شود (مواو و نیمن، ۲۰۱۲). به عبارتی، تلاش برای برتری و حس برتر بودن از ویژگی های ذاتی هر انسان است، فقرا در سلسله طبقات اجتماعی همیشه تلاش می کنند با حس حقارت کنار بیایند و حس برتری خود را بازگردانند. در حوزه مصرف می توان هدف برتر بودن را با خرید دارایی های مادی پرهزینه بدست آورد که این همان مفهوم مصرف آشکار در میان فقرا است (ژنگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۸). این مصرف آشکار بر الگوی مصرف خانوار اثر می گذارد، به طوری که نشان داده می شود فقرا نسبت به ثروتمندان کمتر روی غذا، بهداشت و آموزش هزینه می کنند، که این امر می تواند اثرات منفی برای آنان به دنبال داشته باشد، چرا که هزینه مصرف آشکار از یک طرف بودجه در دسترس خانوار را برای ارتقاء سرمایه انسانی مانند بودجه آموزش و سلامت و شانس رسیدن خانوار به درآمدهای بالاتر را در آینده کاهش می دهد و از طرف دیگر، پس انداز خانوار را که برای تحقق سرمایه گذاری در آینده، ضروری به نظر می رسند را کاهش می دهد و به تداوم فقر کمک می نماید (کاوس^۵، ۲۰۱۳). به عبارت دیگر، در فرهنگ مصرف، مصرف کالاهای لوکس و کسب لذت بی شمار، نمادی از ثروتمند بودن افراد به نظر می رسد. طبق گفته های وبلن اوقات فراغت را می توان به عنوان یک عرصه نمادین در نظر گرفت که در آن اعضای هر طبقه موقعیت اجتماعی خود را از طریق مصرف محصولات مجلل و فراغت بیشتر به نمایش می گذارند و خانوارهای فقیر نیز در رقابت با آنان برای نمایش موقعیت بهتر خود از مصرف آنان تقلید می کنند. هر محصولی برای اولین بار توسط ثروتمندان مصرف می شود و سپس سایر افراد از آن بهره مند می شوند، پس تعجب آور نیست که گردشگری و تفریحات که به این میزان توسط ثروتمندان رونق دارد، در میان طبقه متوسط و فقیر افزایش یافته است (لیو و لی^۶، ۲۰۲۰).

¹. Duesenberry

². Frank

³. Charles

⁴. Zheng

⁵. Kaus

⁶. Liu and Li

۲-۱-۲ نظریه کوزی و الگوی مصرف خانوارها

طبق استدلال کوزی (۲۰۰۴) رقابت برای موقعیت‌های اجتماعی بهتر در سلسله طبقات اجتماعی-اقتصادی می‌تواند سبب انباشت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در یک کشور شود و خانوار را به سمت مصرف کالاهایی که منجر به افزایش سرمایه انسانی مانند آموزش و سلامت در آینده می‌شود، سوق دهد (مواو و نیمن، ۲۰۱۲).

۲-۱-۳ نظریه رفتار مصرفی جبرانی و الگوی مصرف خانوار

نظریه رفتار مصرفی جبرانی بیان می‌کند که ناسازگاری ناشی از موقعیتی که در آن وضعیت یک فرد با شرایط ایده‌آل یا یک فرد ثروتمند مطابقت ندارد، می‌تواند منجر به احساسات منفی روانی شود. این تجربه ناسازگاری سبب می‌شود افراد برای کاهش احساسات نفرت‌انگیز، رفتار خاصی از خود نشان دهند که عقلایی نیست تا بتوانند از نظر روانی این ناسازگاری را جبران کنند، حتی زمانی که ابزار کافی برای مقابله با آن را ندارند. در این حالت مصرف کالاهای لوکس (مانند کفش و پوشاک با برندهای معروف مانند پرادا^۱ ایتالیا) یک ابزار عالی برای افرادی است که نیاز دارند این احساس ناسازگاری را تعدیل کنند و نشان دهند که آنان نیز موقعیت خوبی دارند و اختلاف چندانی با ثروتمندان ندارند (وانگ و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

۲-۱-۴ مصرف علامت‌دهی - به عنوان الگویی تعمیم‌یافته از نظریه وبلن - و الگوی

مصرف خانوار

ادبیات جدیدتر با الهام از نظریه وبلن به مصرف علامت‌دهی می‌پردازند که طبق این ادبیات خانوارها مصرف خود را با توجه به موقعیتی که در سلسله طبقات اجتماعی-اقتصادی، دارند، تنظیم می‌کنند، برای مثال چارلز و همکاران (۲۰۰۹) نشان می‌دهد خانوارهای فقیر سیاه‌پوست آفریقایی‌تبار در ایالت متحده نسبت به سفیدپوستان، بخش بیشتری از درآمد خود را صرف مصرف آشکار می‌کنند و این الگوی مصرفی به طور کامل با علامت‌دهی موقعیت توصیف می‌شود که در آن خانوارهای فقیر برای نمایش این که وضعیت بهتری در گروه خود دارند، مصرف بالاتری از برخی کالاهای لوکس دارند. یا اینکه بانرجی و دوفلو^۳ (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که خانوارها به طور

۱. نوعی برند لباس که مربوط به یک شرکت مد و لباس ایتالیایی است که در زمینه کالاهای لوکسی مانند عینک، کفش و کیف مردانه و زنانه، عطر، لوازم آرایشی و ساعت فعالیت می‌کند.

۲. Wang

۳. Banerjee and Duflo

متوسط در ادیپور هند ۱۰ درصد از بودجه سالانه خود را صرف جشن و ۵ درصد از بودجه خود را صرف خرید محصولات دখانی و نوشیدنی‌های الکلی می‌نمایند و این در حالی است که ۸۶ درصد از جمعیت این منطقه در فقر زندگی می‌کنند. بلوخ^۱ و همکاران (۲۰۰۴) نیز شواهدی از مصرف علامت‌دهی خانوارهای هندی در کارناتا‌کا ارائه می‌دهند، با این که این خانوارها فقیر هستند، سهم زیادی از درآمد خود را صرف جشن‌های عروسی می‌کنند. در مصرف علامت‌دهی وضعیت هر فرد به عقاید دیگران در مورد درآمد وی بستگی دارد و افراد با مصرف برخی از کالاها، به دیگران سیگنال می‌دهند که اوضاع بهتری دارند (خامس^۲ و همکاران، ۲۰۱۲). استدلال شده که تلاش برای کسب موقعیت، یک محرک قوی است که بر الگوی مصرف اثر می‌گذارد که این بحث ریشه در نظریه وبلن دارد، وبلن مفهوم تقلید مالی را به تفصیل تشریح می‌کند و بیان می‌کند که کسانی که در سطوح پایین‌تر یک جامعه قرار دارند، رفتار مصرفی افراد با موقعیت‌های بهتر را تقلید می‌کنند، حتی اگر ابزار کافی و لازم برای چنین کاری را نداشته باشند. این تقلید اساس مصرف آشکار برای خرید برخی از کالاها و خدمات را برای نمایش و وانمود کردن اوضاع بهتر را تشکیل می‌دهد. اگر مصرف قابل مشاهده باشد و به عنوان سیگنال عمل کند، فقرا به سمت مصرف آشکار گام برمی‌دارند تا جایگاه خود را در طبقات اجتماعی بهبود دهند (بنوری و نگوین^۳، ۲۰۲۳).

۲-۱-۵ فقر، تفکر مبادله و الگوی مصرف

تئوری استاندارد اقتصاد خرد بر مبنای این منطق استوار است که همه مردم با کمبود مواجه هستند و در نتیجه باید میان گزینه‌های مصرف معاوضه نمایند، زیرا هیچ‌کس به منابع مالی نامحدود دسترسی ندارد. بنابراین خرید و مصرف یک کالا با هزینه فرصت همراه است، به این معنی که افراد با انتخاب از یک کالا، کالای دیگر را کنار می‌گذارند. اما مطالعات رفتاری نشان می‌دهد، اغلب مواقع افراد از این هزینه‌های فرصت غفلت می‌کنند و با ناسازگاری در مصرف مواجهند. با این حال نظریه کمیابی فرض می‌کند که فقر باعث ایجاد یک تفکر مبادله‌ای می‌شود و فقرا کمتر مستعد ناسازگاری در تصمیم‌گیری‌های خود هستند. در نتیجه فرآیند تصمیم‌گیری فقرا در خصوص مصرف کالاها، بیشتر با مبنای اقتصاد خرد هماهنگی دارد که منجر به یک انتخاب سازگار با کسب مطلوبیت بالاتر در بودجه محدود می‌شود. بنابراین آنان در انتخاب‌های خود ابتدا به مصرف کالاهای اساسی مانند غذا توجه می‌کنند تا موارد غیرضروری (دی بروین و آنتونیدس^۴، ۲۰۲۲).

^۱. Bloch

^۲. Banuri and Nguyen

^۳. Khamis

^۴. De-Bruijn and Antonides

به عبارت دیگر طبق گفته مولایناتان و شفیر^۱ (۲۰۱۷) و شاه^۲ و همکاران (۲۰۱۶) بیشتر به معاوضه کالاها فکر می‌کنند، زیرا با بودجه محدود مواجه هستند.

۲-۱-۶ قانون انگل، قانون بنت و الگوی مصرف خانوار

قانون انگل بیان می‌کند که خانوار فقیر سهم بیشتری از درآمد خود را صرف مصرف کالاهای خوراکی می‌نمایند، به عبارتی طبق این قانون سهم مواد خوراکی از درآمد فقرا، بیشتر و سهم مخارج غیرخوراکی از درآمد آنان کمتر است. با این حال قانون بنت بیان می‌کند، فقر نه تنها سهم مواد غذایی از بودجه بیشتر است، بلکه سبب تغییر در ترکیب سبد غذایی خانوارها می‌شود. به طور خاص مشاهده می‌شود، فقر سهم مواد غذایی با کالری و نشاسته بالا مانند نان و غلات را در سبد خانوار افزایش می‌دهد (سیرا و ماسِت^۳، ۲۰۱۰).

۲-۱-۷ فقر و الگوی مصرف خوراکی خانوارها

در خصوص اثر فقر بر الگوی مصرف مواد غذایی خانوار می‌توان گفت که فقر سبب کاهش مصرف برخی از غذاهای سالم شده و مصرف غذاهای مضر مانند شیرینی‌ها را در رژیم غذایی خانوار گسترش می‌دهد. انتخاب غذا به طور معمول در چارچوب سیستم‌های دوگانه توضیح داده می‌شود و در مطالعات صورت گرفته انتخاب غذا را به تعامل میان دو سیستم نسبت می‌دهند. ۱- سیستم عاطفی^۴ که به احساسات، علایق و سلیقه مصرف‌کنندگان بستگی دارد و بیشتر بر روی زمان حال تمرکز دارد، ۲- سیستم تأملی^۵ که نتایج بلندمدت توجه داشته و یک چشم‌انداز وسیع و هدف‌گرا دارد. در خصوص انتخاب غذا با اینکه هر دو مکانیسم ممکن است اثر داشته باشند. مکانیسم اول همواره برقرار بوده و در انتخاب غذا دخیل است، اما نقش مکانیسم دوم به میزان ملاحظات بهداشتی و سلامتی افراد وابسته است. به عبارتی سیستم اول به در دسترس بودن، لذت از غذا و مقرون به صرفه بودن آن اشاره دارد اما مکانیسم دوم به نگرانی‌های بلندمدت در خصوص سلامت اشاره می‌کند و زمانی فعال می‌شود که این نگرانی‌ها در انتخاب غذا لحاظ شوند. لازمه وجود این ملاحظات بهداشتی و نگرانی، برخورداری از اطلاعات تغذیه‌ای دقیق است. خانوارهای فقیر معمولاً اطلاعات تغذیه‌ای کمتری داشته و کمتر به سلامت خود در بلندمدت اهمیت می‌دهند. بنابراین آنان در انتخاب غذای خود به سلامت غذا اهمیت نمی‌دهند، آنان اغلب غذای خود را بر اساس

¹. Mullainathan and Shafir

². Shah

³. Cirera and Masset

⁴. Affective

⁵. Deliberative

حس سیری انتخاب می‌کند و مصرف بیشتری از قندها، چربی‌ها و نان دارند که کربوهیدرات بیشتری نسبت به سایر گروه‌های خوراکی مثل میوه‌ها و سبزی‌ها دارند. به عبارت دقیق‌تر، فقر پیامدهای روان‌شناختی خاصی به دنبال دارد که ممکن است افراد را مستعد تصمیم‌گیری بر اساس سیری و نادیده گرفتن اطلاعات تغذیه‌ای و سلامت نموده و انتخاب غذاهای سالم و با ارزش غذایی بالا مانند میوه‌ها و لبنیات را محدود کند. موانع مصرف‌کنندگان فقیر برای بهره‌مندی از الگوی غذایی سالم‌تر، نه تنها اقتصادی است؛ بلکه روانشناختی نیز هست. نگرانی‌های مرتبط با فقر، خودکنترلی افراد را کاهش داده و مصرف مواد غذایی سالم را می‌کاهد (دومینگز-ویرا و همکاران، ۲۰۲۳). فقرا بیشتر برای دریافت کالری از گندم هزینه می‌کنند، چرا که گندم کشش قیمتی بسیار کمی دارد، افزایش قیمت‌ها و گسترش فقر سبب کاهش قدرت خرید افراد می‌شود و بودجه حقیقی خانوارها را محدود می‌کند، این امر ممکن است منجر به کاهش هزینه‌های غیرخوراکی مانند آموزش و بهداشت و برخی از کالاهای خوراکی مانند میوه‌ها شود، اما اثری بر هزینه‌های خانوار روی گندم ندارد (مالک^۱ و همکاران، ۲۰۱۵).

برای جمع‌بندی نظریات ارائه شده می‌توان گفت: ۱- فقر، خانوار را به سمت مصرف تظاهری سوق می‌دهد، فقرا برای کنارآمدن با حس حقارت ناشی از فقر و کسب جایگاه بهتر در سلسله طبقات اجتماعی- اقتصادی، هزینه روی برخی از گروه‌ها مانند آموزش و سلامت را کاهش و هزینه روی برخی گروه‌ها مانند تفریحات را افزایش می‌دهند. ۲- فقرا کمتر با ناسازگاری در تصمیم‌گیری‌های خرد مواجه‌اند و آنان به دنبال کسب مطلوبیت بالاتر با بودجه محدودند، پس در انتخاب‌های خود کالاهای ضروری‌تر مانند غذا را در اولویت قرار می‌دهند. ۳- فقر در انتخاب غذا به سمت مصرف کالاهایی که حس سیری را برایشان به ارمغان می‌آورد متمایل می‌شوند و توجه چندانی به مصرف گروه‌هایی مانند سبزیجات و میوه‌ها ندارند.

۲-۱-۸ سایر عوامل مؤثر بر الگوی مصرف خوراکی خانوارها

سطح تحصیلات: آموزش به‌عنوان مؤلفه‌ای از سرمایه انسانی از عوامل تعیین‌کننده رفتار مصرف‌کننده محسوب می‌شود. افزایش سطح تحصیلات آگاهی‌ها از بازار محصولات و کالاهای مصرفی مختلف را بالاتر برده و سبب تغییر رویه افراد به سمت مصرف کالاهای مفیدتر می‌شود. آموزش بیشتر، با تأثیر بر افکار و نگرش افراد، تقاضا برای اقلام و خدمات افزایش‌دهنده درآمدی انتظار آتی مانند تحصیلات را بالاتر می‌برد. این امر منجر به پذیرش ایده‌های جدید می‌شود و

^۱. Malik

تقاضا برای محصولات جدید را ارتقاء می‌دهد (وو و ما، ۲۰۲۳؛ چنگ^۲، ۲۰۲۱). آموزش بر اطلاعات تغذیه‌ای افراد اثر مثبتی گذاشته و آنان را به سمت مصرف بیشتر کالاهای مفید برای سلامت مانند سالاد و سبزیجات و مصرف از کالاهای مضر مانند کیک‌ها، شیرینی‌ها و الکل می‌کشاند (فراسر^۳ و همکاران، ۲۰۰۰).

جنسیت: تفاوت مشخصی در انتخاب غذا و رفتار مصرفی میان مردان و زنان وجود دارد. زنان اغلب در رفتار مصرفی خود بیشتر از مردان درگیر سلامت می‌شوند و معمولاً سبک زندگی سالم‌تری دارند. آنان در انتخاب غذای خود اغلب اطلاعات تغذیه‌ای مواد غذایی به ویژه کالری موجود در غذا را در نظر می‌گیرند و بیشتر از مردان غذاهای سالم را انتخاب می‌نمایند. به طور مثال، زنان معمولاً گوشت سفید را ترجیح می‌دهند، درحالی‌که مردان گوشت قرمز را انتخاب می‌کنند. مصرف الکل و غذاهای با میزان کالری و پروتئین بالا، بیشتر در سبد غذایی مردان قرار می‌گیرد، درحالی‌که سبزی‌ها، میوه‌ها، ماهی و محصولات لبنی سهم بیشتری از سبد غذایی زنان را تشکیل می‌دهد (لاسن^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). زنان در بریتانیا در مقایسه با مردان، تمایل دارند گوشت قرمز را با گوشت سفید جایگزین کنند و بیشتر سبزی و میوه مصرف کنند. مردان تمایل دارند غذاهای با فیبر کمتر اما با کالری بیشتر مصرف کنند. زنان در کاستاریکا تمایل دارند کمتر از غذاهای فست‌فود و آماده استفاده کنند چون چاق کننده هستند (رودریگس^۵ و همکاران، ۲۰۲۰).

بعد خانوار: افزایش تعداد اعضای خانوار، به دلیل وجود افراد در حال تحصیل، در خانه سبب افزایش در مخارج آموزشی می‌گردد. افزایش بعد خانوار، سهم مخارج خوراکی را کاهش می‌دهد. افزایش بعد خانوار، اثر مثبت و معناداری بر مخارج بهداشتی و مسکن و اثر منفی و معناداری بر مخارج ارتباطات دارد (شیری و همکاران، ۱۳۹۴).

وضعیت شغلی: اشتغال از یک طرف با افزایش ساعات کار و کاهش زمان استراحت، مصرف برخی از کالاهای مضر آماده را افزایش و مصرف غذاهای مناسب را کاهش می‌دهد. از طرف دیگر به کسب درآمدهای بالاتر منتج می‌شود و مصرف غذاهای باکیفیت را افزایش می‌دهد (زاسیمو^۶، ۲۰۲۲). یافتن شغل به طور خاص با افزایش درآمد هزینه‌های خانوار برای غذا و اوقات فراغت را افزایش می‌دهد (ما و همکاران، ۲۰۲۲). از طرفی استرس کاری و خستگی ناشی از کار سبب افزایش استرس افراد و بروز آسیب‌های جسمی و روانی به فرد می‌شود و آن را به سمت مصرف الکل و دخانیات متمایل می‌سازد (پریرا^۷ و همکاران، ۲۰۲۰).

¹. Wu and Ma

². Cheng

³. Fraser

⁴. Lassen

⁵. Rodrigues

⁶. Zasimova

⁷. Pereira

وضعیت تأهل سرپرست: مردان متأهل نسبت به هم‌تایان مجرد خود به دلیل کنترل‌های اجتماعی همسر خود یا حمایت‌های اجتماعی آنان غذاهای باکیفیت‌تر و سالم‌تری مصرف می‌کنند. مطالعات انج^۱ و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که مردانی که همسر خود را ازدست داده یا طلاق داده‌اند، مصرف غذاهای سرخ‌شده را افزایش و مصرف سبزیجات را کاهش می‌دهند. زنان، بیشتر به تغذیه سالم اهمیت می‌دهند، آنان معمولاً مصرف بیشتری از غذاهای حاوی فیبر از جمله میوه‌ها و سبزی‌ها دارند. آنان مصارف غذایی همسران خود را نیز کنترل کرده و آن را در الگوی مصرف آنان اعمال می‌کنند (کروشوس^۲، ۲۰۰۸). مردان مجرد، منابع بیشتری را صرف مشروبات الکلی، دخانیات، تفریح و فست‌فود می‌کنند. افراد مجرد بیشتر به دنبال مصرف گوشت قرمز، نوشابه‌ها، سیب‌زمینی و مرغ هستند اما افراد متأهل، تمایل بیشتری به مصرف آجیل‌ها، ماهی، غلات، سبزیجات دارند (یاناکولیا^۳ و همکاران، ۲۰۰۸).

کمک‌های دریافتی خانوار از سایر خانوارها: دریافت کمک از خانوارهای دیگر در هنگام شوک‌های منفی اقتصادی، طبیعی، سیاسی و ... به خانوار کمک می‌کند که همانند قبل الگوی مصرف خود را حفظ نمایند و تغییری در آن ایجاد نکنند. این امر به عنوان یک استراتژی مقابله با این شوک‌ها محسوب می‌شود (خلیلی و همکاران، ۲۰۲۱). این کمک‌ها از طرف خویشاوندان و دوستان دسترسی و استفاده خانوار به برخی کالاها و خدماتی که توانایی خرید آن را ندارند، آسان نموده است. برای مثال در جنوب غربی اوگاندا این نوع کمک‌ها، دسترسی خانوارها به مراقبت‌های بهداشتی را فراهم آورده است (آمورون^۴ و همکاران، ۲۰۱۷).

سن سرپرست: تفاوت‌های نسلی بر الگوی مصرف افراد اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر تمایز قابل توجهی میان افراد پیر و جوان وجود دارد. برای مثال جوانان میزان بیشتری از درآمد خود را صرف فست‌فودها، اینترنت، ارتباطات، کنسرت‌ها و به طور کلی تفریحات می‌کنند (چتری^۵ و همکاران، ۲۰۱۴)، در حالی که افراد مسن سهم بیشتری از درآمد خود را به مخارج بهداشتی و درمانی تخصیص می‌دهند (لوپریته و ژو^۶، ۲۰۲۰).

درآمد خانوار: با افزایش درآمد طبق قانون انگل، تقاضا برای خرید و مصرف کالاهای خوراکی نسبت به کالاهای غیرخوراکی کاهش می‌یابد. با این حال با افزایش درآمد نه تنها مقدار غذا کمتر از اقلام غیرخوراکی افزایش می‌یابد، بلکه ترکیب سید غذایی نیز تغییر می‌کند. به طوری که طبق قانون بنت مخارج بر روی خوراکی‌های نشاسته‌ای و با میزان کالری بالا در مقایسه با سایر

¹. Eng

². Kroshus

³. Yannakoulia

⁴. Amurwon

⁵. Chhetri

⁶. Lopreite and Zhu

گروه‌های خوراکی کاهش می‌یابد و از طرفی برخی از خوراکی‌ها مانند نوشیدنی‌های الکلی، دخیانیات، گوشت قرمز و ماهی که کشش هزینه‌ای بزرگ‌تر از یک و منحنی انگل مقعر دارند، افزایش می‌یابد (سیرا و ماست، ۲۰۱۰).

قیمت: طبق قانون تقاضا افزایش قیمت کالاها سبب کاهش مصرف از کالاها می‌شود، با این حال اگر متغیر وابسته به جای مقادیر مصرف هزینه بر روی کالاها باشد، تحلیل اثر قیمت بر مصرف و تقاضا، از طریق قانون تقاضا به تنهایی کارساز نیست و بایستی به کشش قیمتی خودی و کشش قیمتی متقاطع کالاها توجه شود. در صورتی که یک کالا کشش قیمتی کوچک‌تر از واحد داشته باشد و کالای مورد نظر جانشین نزدیکی نداشته باشد، آنگاه با افزایش قیمت مخارج خانوار روی کالا افزایش و در صورتی که کشش قیمتی بزرگ‌تر از واحد داشته باشد یا کالا دارای جانشین‌های ناخالص باشند، آنگاه با افزایش قیمت یک کالا خانوار به سمت مصرف بیشتر از جایگزین‌ها تمایل یافته و هزینه روی کالای مورد بررسی کاهش می‌یابد. برای مثال در پاکستان، افزایش قیمت حبوبات، خانوار به راحتی سبزیجات را جانشین حبوبات کرده و مصرف حبوبات را کاهش داده‌اند؛ یا با افزایش قیمت غلات خانوار مصرف خود از برخی از کالاهای پرهزینه مانند گوشت‌ها را کاهش داده‌اند و در مصرف غلات تغییرات چندانی ایجاد نکرده‌اند (حیات و همکاران، ۲۰۲۳).

۲-۲ پیشنهاد پژوهش

در سال‌های گذشته مطالعات متعددی در زمینه اثر فقر بر مصرف و بررسی الگوی مصرفی انجام شده است. برای مثال، غروری نخجوانی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای به تجزیه و تحلیل فقر در خانوارهای ایرانی و الگوی مصرف آنان در قالب دو گروه کلی خوراکی و غیرخوراکی در قالب نظریه انگل طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۲ پرداخت و به این نتیجه دست یافت که فقر سبب کاهش سهم کالاهای خوراکی در بودجه خانوار شده است. همچنین، نتایج آنان گویای این است که میان دهک‌های اول و دوم درآمدی، سهم مخارج خوراکی و غیرخوراکی در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۸۱ افزایش یافته، اما سهم هزینه‌های غیرخوراکی خانوارهای این دهک‌ها از درآمد بیشتر است؛ بنابراین فقر عاملی برای تغییر در الگوی مصرف محسوب می‌شود

در این میان، مطالعات اخیر اغلب بر گروه‌های خوراکی تمرکز کرده و به شکل ویژه، تغییرات مصرف گروه‌های خوراکی خانوارها (میوه‌ها، سبزی‌ها، گوشت، غلات و ...)، تحت تأثیر فقر مورد بررسی قرار داده‌اند. برای مثال، دومینگز-ویرا و همکاران (۲۰۲۳) تأثیر نگرانی‌های ناشی از

فقر را بر مصارف خوراکی ۴۲۳ خانوار کم‌درآمد مکزیکوسیتی را با استفاده از تکنیک پرایمینگ^۱ مورد ارزیابی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که فقر سبب انتخاب یک الگوی غذایی ناسالم می‌شود. استرس مالی مزمن ناشی از فقر با مصرف سیگار و انتخاب غذاهای ناسالم ارتباط مثبت دارد. خانوارهای فقیر اطلاعات تغذیه‌ای کمی دارند، کمتر نگران سلامتی خود هستند و در انتخاب غذا به غذاهای سالم اهمیت می‌دهند. آنان بیشتر به سمت مصرف شیرینی‌ها و چربی‌ها تمایل دارند تا میوه‌ها و سبزی‌ها. همچنین در این حوزه، راسید^۲ و همکاران (۲۰۲۰) با استفاده از یک مدل تحلیلی بر اساس توابع انگل به تحلیل الگوی مصرف خانوارها در استان‌های جاوه شمالی و بالی در اندونزی پرداختند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که در اندونزی مواد غذایی اصلی خانوارها تقریباً بی‌کشش و غذاهای فرآوری‌شده کاملاً باکشش محسوب می‌شود. همچنین، خانوارهای فقیر الگوی مصرف متفاوتی نسبت به اغنیا دارند. خانوارهای فقیر درآمدهای کمتری را برای مایحتاج اولیه‌ای که برای سلامتی مهم هستند مانند سبزی‌ها، گوشت و ماهی اختصاص می‌دهند. مالک و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با استفاده از سیستم تقاضای AIDS به تجزیه و تحلیل پیامدهای افزایش قیمت ده قلم خوراکی بر الگوی مصرف مواد غذایی و مقایسه نتایج میان خانوارهای فقیر و ثروتمند پاکستان طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۰ پرداختند. آنان به این نتیجه دست یافتند که خانوارهای فقیر ۷۰ درصد درآمد خود را صرف غذا می‌کنند و از این میان، ۵۲ درصد کل کالری خود را از گندم دریافت می‌کنند. گندم کشش قیمتی پایینی برای خانوارهای فقیر دارد و آنان با افزایش قیمت مصرف آن را کاهش نمی‌دهند. آنان دریافتند که افزایش قیمت و فقر ناشی از آن منجر به کاهش هزینه‌های غیرخوراکی مانند آموزش و بهداشت می‌گردد.

برخی دیگر از مطالعات تنها بر تجزیه و تحلیل اثر فقر بر مصرف یا مخارج یک گروه کالایی یا خدماتی پرداخته و تغییرات در مخارج یا مصرف گروه‌هایی مانند دخانیات، آموزش و بهداشت را در واکنش به فقر را بررسی نموده‌اند که این دسته از مطالعات گویای مسائل پیچیده‌ای هستند. در برخی از این بررسی‌ها محققان به نتایجی مانند افزایش مصرف دخانیات، کاهش مخارج آموزش و خدمات مراقبت بهداشتی اشاره می‌کنند که خود، بار اجتماعی فراوانی می‌تواند بر جامعه اعمال نماید. برای نمونه، درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹) با استفاده از مدل پروبیت به شناسایی عوامل مؤثر بر مصرف سیگار، مشروبات الکلی و مواد و داروهای بدون مجوز پزشکی در ایران طی بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۶ پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که فقر از عواملی به شمار می‌آید که در کنار سایر عوامل مانند بیکاری، مجردبودن و سطح پایین تحصیلات، احتمال مصرف مواد دخانی، مواد مخدر و مشروبات الکلی را افزایش می‌دهد. بنوری و نگوین (۲۰۲۳) با استفاده از مدل لاجیت

^۱. Priming Techniques

^۲. Rasyid

اثر فقر بر احتمال مصرف سیگار را در ویتنام طی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۵، ۴۷/۹ درصد دهک‌های پایین درآمدی جامعه، سیگار مصرف می‌کنند، در حالی که در دهک‌های بالای درآمدی این میزان به ۲۹/۱ درصد می‌رسد. علاوه بر این احتمال مصرف سیگار در مردان فقیر بیشتر است. عزیزی (۱۳۸۷) در قالب یک روش میدانی و تکنیک پیمایش به شناسایی رابطه فقر با مصرف مواد مخدر، دخانیات و مشروبات الکلی در میان ۴۰۰ جوان ۱۸-۲۵ ساله در شمیرانات تهران پرداخت و به این نتیجه دست یافت که فقر می‌تواند با تأثیر بر عوامل واسط مانند احساس ناامیدی، فرهنگ بزهکاری و سرمایه اجتماعی، مصرف مواد دخانی، مواد مخدر و نوشیدنی‌های الکلی را افزایش دهد. سونگ و ژئو^۱ (۲۰۱۹) با استفاده از داده‌های پانلی خانوار و به کارگیری مدل اثرات ثابت، اثر فقر بر هزینه‌های آموزش خانوارهای چین را طی سه موج ۲۰۱۰، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ مورد مطالعه قرار دادند. نتایج اصلی این مطالعه حاکی از آن است که خانوارهای فقیر هزینه‌های آموزشی کمتری دارند چرا که آنان ابزاری برای انباشت سرمایه انسانی ندارند و به دلیل محدودیت‌های اعتباری یا در سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری نمی‌کنند یا سرمایه‌گذاری کمتری در این نوع سرمایه دارند. کاوس (۲۰۱۳) با استفاده از داده‌های خانوار آفریقای جنوبی و در قالب یک مدل علامت‌دهی، به بررسی تفاوت‌های موجود در مخارج خانوارهای سیاه‌پوست و خانوارهای سفیدپوست طی سال‌های ۱۹۹۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ پرداخت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که خانوارهای فقیر سیاه‌پوست سهم بیشتری از درآمد خود را صرف مصرف آشکار نموده و سهم کمتری از درآمد خود را صرف آموزش و سلامت می‌کنند. سارتی^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین فقر و هزینه سلامت خانوار در ایتالیا طی بازه زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۷ پرداختند. برای نیل به این هدف آنان از رگرسیون چندسطحی استفاده نمودند، چراکه این روش امکان بررسی اثر متغیرهای مختلف در سطوح تحلیلی متفاوت (منطقه، خانوار و زمان) را فراهم می‌آورد. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که تمایل پرداخت خانوارهای فقیر برای کالاها و خدمات بهداشتی کاهش یافته که این یک سیگنال هشدار دهنده برای سلامتی خانوارهای آسیب‌پذیر محسوب می‌شود و می‌تواند منجر به وخامت تدریجی سلامت در خانوارهای فقیر و افزایش بار سیستم بهداشتی در آینده شود.

بررسی مطالعات انجام‌شده در زمینه فقر و الگوی مصرف خانوار نشان می‌دهد، تاکنون مطالعه‌ای که اثر فقر بر الگوی مصرف خانوار با استفاده از روش‌های کمی و در قالب اکثریت گروه‌های خوراکی و غیرخوراکی به ویژه در ایران و با استفاده از روش تفاضل در تفاضل که فارغ از هرگونه مشکل از جمله ناهمگنی‌های غیر قابل مشاهده مانند فرهنگ، اثر خالص فقر را بر

^۱. Song and Zhou^۲. Sarti

الگوی مصرف خانوارها گزارش می‌کند، یافت نشد. بنابراین مطالعه حاضر در راستای بررسی اثر فقر بر الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی ایران با تأکید بر معیشت با روش تفاضل در تفاضل انجام شد.

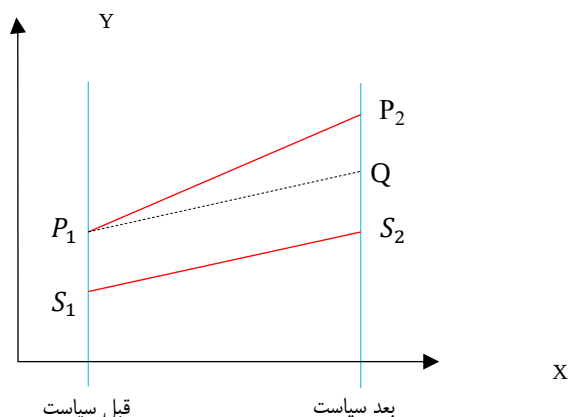
۳- روش‌شناسی پژوهش

۳-۱ معرفی مدل و روش برآورد

هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر فقر بر الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی ایران با استفاده از روش شبه‌آزمایشگاهی تفاضل در تفاضل می‌باشد. روش تفاضل در تفاضل، اولین بار توسط «اشنفلتر»^۱ (۱۹۷۸) ارائه شده است و زمانی به کار می‌رود که تغییر برون‌زایی رخ داده و هدف، بررسی تأثیرات آن تغییر یا ارائه تخمینی مناسب از واقعیت محقق نشده متغیر نتیجه برای سیاست اجرا شده باشد (آی^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). در این روش یک گروه به عنوان «گروه کنترل» و یک گروه نیز به عنوان «گروه تیمار» در نظر گرفته می‌شود. گروه تیمار گروهی است که تحت تأثیر سیاست یا تغییر اعمال شده - در اینجا مواجه با فقر - قرار می‌گیرند. در شکل ۱، رفتار گروه تیمار با خط P و رفتار گروه کنترل با خط S نشان داده شده است. رفتار این دو گروه قبل از اجرای سیاست یا تغییر با مقادیر P_1 و S_1 برآورد شده است. پس از اعمال سیاست نیز رفتار دو گروه با مقادیر P_2 و S_2 نمایش داده می‌شود. اثر تغییر مورد بررسی Y برابر است با $(P_2 - P_1) - (S_2 - S_1)$ ، که به دلیل استفاده از دو تفاضل (یکی تفاضل امید ریاضی‌های متغیر وابسته Y در دو زمان قبل و بعد اجرای تغییر یا سیاست برای گروه کنترل و یکی تفاضل امید ریاضی‌های متغیر وابسته Y در دو زمان قبل و بعد اجرای تغییر برای گروه تیمار و در نهایت تفاضل تغییرات رخ داده در دو گروه) به روش - تفاضل در تفاضل - معروف است و در آن عبارت $(P_2 - P_1)$ نشان‌دهنده مجموع تغییرات رخ داده در گروه تیمار و عبارت $(S_2 - S_1)$ نشان‌دهنده مجموع تغییرات رخ داده در گروه کنترل است. درواقع با این کار، آن بخش از تغییرات متغیر وابسته را که ناشی از سایر عوامل - جز سیاست یا تغییر اعمال شده - است را خارج کرده و تنها اثر سیاست اجرا شده (QP_2) را بر آن بررسی می‌نماییم (به شکل ۱ مراجعه کنید).

^۱. Ashenfelter

^۲. Ai



شکل ۱. روش تفاضل در تفاضل

منبع: یوسفی و سبحانی، ۱۳۹۵.

طبق ادبیات نظری موجود و مطالعات مختلف در خصوص عوامل اثرگذار بر الگوی مصرف خانوار از فرم تبعی زیر در قالب مدل تفاضل در تفاضل، به منظور بررسی اثر فقر بر الگوی مصرف خانوارها استفاده می‌شود.

$$\begin{aligned} consum_{g,ist} = & \beta_0 + \beta_1 poverty_s \\ & + \beta_2 post_t + \beta_3 (poverty_s \times post_t) \\ & + Z_i \theta_i + \varepsilon_{ist} \end{aligned} \quad (۱)$$

که در آن متغیر $consum$ نتیجه یا وابسته بوده و نشان‌دهنده مصارف تک‌تک گروه‌های خوراکی خانوارها (شامل سبزی‌ها، میوه‌ها، گوشت، نان و غلات، قند، شکر و شیرینی‌ها، روغن و چربی‌ها و شیر و لبنیات) و غیرخوراکی خانوارها (شامل دخانیات، پوشاک، حمل و نقل، ارتباطات، تفریحی و سرگرمی، هتل و رستوران، بهداشت و درمان، انرژی و آموزش) برای خانوار i ام در دوره t و در گروه s بوده و g نیز نشان‌دهنده هر گروه است. همچنین، $post$ متغیر موهومی زمان بوده و برای دوره قبل فقیرشدن خانوار = ۰ و برای دوره پس از فقیرشدن خانوار = ۱ می‌باشد، $poverty_s$ متغیر موهومی فقر بوده و برای خانوارهای فقیر مقدار یک و سایر خانوارها مقدار صفر می‌گیرد. در این مطالعه مراد از فقر، فقر مطلق خانوار است که درآمد خانوار برای تأمین حداقل نیازهای اساسی خود مانند خوراک، پوشاک و مسکن کافی نیست. Z نیز برداری از متغیرهای کنترلی است که شامل سطح تحصیلات، جنسیت، بعد خانوار، وضعیت شغلی، وضعیت تأهل سرپرست، سن سرپرست، کمک‌های دریافتی خانوار از سایر خانوارها، درآمد خانوار و قیمت گروه‌های مختلف

است. همانطور که از رابطه (۱) پیداست، برآوردگر تفاضل در تفاضل اثر خالص فقر را نمایش می‌دهد که در قالب پارامتر β_3 در فرم تبعی فوق ارائه شده است و از طریق تفاضل ΔY_T (یعنی تغییرات متغیرهای نتیجه را قبل و بعد فقیرشدن خانوار در گروه تیمار) از ΔY_C (یعنی تغییرات متغیر نتیجه قبل و بعد فقیرشدن خانوار در گروه کنترل) بدست می‌آید.

برای بکارگیری مدل تفاضل در تفاضل برای بررسی اثر فقر بر الگوی مصرف خانوار، در این مطالعه تمام خانوارهایی مورد بررسی قرار گرفتند که طی دو سال یاد شده در قالب دو گروه «کنترل»^۱ یا «تیمار»^۲ تکرار شده باشند؛ به عبارت دیگر، در مطالعه حاضر داده‌ها به صورت تابلویی جمع‌آوری شده است. مرکز آمار طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۷ داده‌های طرح درآمد-هزینه خانوار را به صورت چرخشی جمع‌آوری نموده است، طراحی چرخشی به این شکل است که کلیه پرسش‌شوندگان در سال اول، یعنی سال ۱۳۹۷ به سه دسته تقسیم و در هر سال یکی از دسته‌ها با خانوارهای جدیدی جایگزین می‌شوند؛ بنابراین دو سال پیاپی مانند سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، حدود ۶۶٪ از داده‌های خانوار تکراری هستند. همچنین، برای تابلویی کردن داده‌ها، کد آدرس خانوارها در دو سال مورد نظر تطبیق داده شده و خانوارهایی به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند، که کد آدرس آن‌ها طی این دو سال تکرار شده باشد و سایر خانوارها با کد آدرس‌های غیرتکراری حذف شدند. در کنار تطبیق کد آدرس خانوارها، در این مطالعه خانوارها از لحاظ سن سرپرست خانوار، میزان تحصیلات سرپرست و برخی دیگر از ویژگی‌ها مورد بررسی قرار گرفتند و خانوارهایی انتخاب شدند که سن سرپرست آن‌ها در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ یک سال افزایش یافته بود و سایر ویژگی‌های آن خانوار یا ثابت باقی مانده یا با تغییرات قابل انتظار مواجه بود. در این مطالعه ابتدا، تمامی خانوارهایی که طی دو سال مورد نظر تکرار شده بودند، انتخاب گشتند و داده‌ها به شکل پنل هستند که حداقل در دو سال متوالی، تکرار شده‌اند. سپس مخارج خانوار به صورت سرانه از تقسیم مخارج بر بعد خانوار، محاسبه شد و رقم محاسبه شده با خط فقر گزارش شده توسط پژوهشکده آمار به تفکیک مناطق شهری و روستایی در هر سال^۳، مقایسه شد. خانوارهایی که مخارج سرانه کمتر از خط فقر گزارش شده را داشتند، فقیر و خانوارهایی که مخارج سرانه بالاتر از خط فقر یادشده داشتند، به عنوان خانوارهای غیرفقیر معرفی شدند. با این حال، از میان آنان خانوارهایی که طی دو سال یادشده فقیر محسوب می‌شدند و خانوارهایی که در سال ۱۳۹۷ فقیر و در سال ۱۳۹۸ از فقر خارج شده بودند، از نمونه مورد بررسی حذف شدند. همچنین، خانوارهایی

۱. Control group

۲. Treatment group

۳. پژوهشکده آمار خط فقر سرانه را در سال ۱۳۹۷ به ترتیب

برای مناطق شهری و روستایی ۶۴۲۸۷۴۵۳ و ۳۵۷۹۱۲۸۱ و

در سال ۱۳۹۸، ۹۰۶۹۰۷۰۸ و ۴۸۹۸۸۴۵۵ گزارش کرده است.

که در طی سال ۱۳۹۷ فقیر محسوب نمی شدند؛ اما در سال ۱۳۹۸ با فقر مواجه شده اند به عنوان گروه تیمار استفاده شد. برای گروه کنترل نیز خانوارهای انتخاب شدند که در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ فقیر محسوب نمی شدند. بنابراین ۱۱۶۴۰ خانوار در مجموع انتخاب شدند که طی دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تکرار شده بودند، از این میان ۳،۹۰۵ خانوارهایی که در دو سال فقیر بودند یا در سال ۱۳۹۷ فقیر و در سال ۱۳۹۸ غیرفقیر محسوب می شدند، از نمونه حذف گشتند. در کل، با صرف نظر کردن از خانوارهای که در دو سال فقیر و خانوارهایی که در سال ۱۳۹۷ فقیر و در سال ۱۳۹۸ غیرفقیر محسوب می شدند، ۷،۷۳۵ خانوار در نمونه باقی ماند که از این میان ۱،۸۲۸ گروه تیمار و ۵،۹۰۷ خانوار گروه کنترل را تشکیل دادند.

۳-۲ معرفی متغیرها

در مطالعه پیش رو از ریزداده های طرح درآمد -هزینه خانوار مرکز آمار ایران و مدل شبه آزمایشگاهی تفاضل در تفاضل، برای بررسی اثر فقر بر الگوی مصرف خانوار طی دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ ه.ش. استفاده شده است. طرح بودجه خانوار، یکی از مهم ترین منابع اطلاعاتی در مطالعات اقتصادی- اجتماعی است؛ این اطلاعات سالانه و به صورت استانی با حجم نمونه بالا در قالب پرسش نامه هایی از خانوار جمع آوری می شود. از این پایگاه اطلاعات متغیر وابسته هزینه های مصرف کالاها و خدمات خوراکی و غیرخوراکی مختلف و متغیرهای جمعیت شناختی و درآمد خانوار از جمله: سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و شاغل بودن سرپرست خانوار، بعد، تعداد شاغلین، درآمد خانوار و کمک های مالی دریافتی خانوار از سایرین استفاده شده است. همچنین قیمت ها به تفکیک شهر و روستا و استان های کشور از اطلاعات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مرکز آمار ایران استفاده گردیده است که این متغیرها به صورت خلاصه در ادامه معرفی خواهند شد.

مصرف: مصرف کالاها و خدمات متغیر وابسته در این مطالعه بوده و شامل لگاریتم مخارج واقعی خانوار برای کالاهای خوراکی (شامل مخارج واقعی بر روی انواع گوشت ها (گوشت سفید، ماهی و گوشت قرمز)، سبزی ها، میوه ها، نان و غلات (ماکارونی، برنج و نان و حبوبات)، شیر و لبنیات، روغن و چربی ها و قند، شکر و شیرینی ها) و کالاها و خدمات غیرخوراکی (مانند لگاریتم مخارج واقعی دخانیات، حمل و نقل، آموزش، انرژی، بهداشت و درمان، ارتباطات، هتل و رستوران، تفریحی و فرهنگی و پوشاک) است که از طریق شاخص قیمت کالاها و خدمات گروه های مختلف خوراکی و غیرخوراکی با سال پایه ۱۳۹۵ به مخارج واقعی تبدیل شده اند.

سطح تحصیلات: از تعداد سال های سرپرست خانوار برای این متغیر در مطالعه حاضر استفاده شده است.

جنسیت: در مطالعه حاضر، این متغیر به صورت یک متغیر موهومی (۱= اگر سرپرست خانوار مرد باشد، ۰= غیره) تعریف شده است.

بُعد خانوار: بُعد خانوار عبارت است از تعداد اعضای خانوار.

وضعیت شغلی: متغیر مذکور به شکل یک متغیر موهومی متغیر موهومی (۱= سرپرست خانوار شاغل باشد و ۰= غیره) ارائه شده است.

وضعیت تأهل سرپرست: متغیر وضعیت تأهل نیز به شکل یک متغیر موهومی متغیر موهومی (۱= اگر سرپرست متأهل باشد و ۰= غیره) تعریف شده است.

کمک‌های دریافتی خانوار از سایر خانوارها: متغیر مذکور به شکل یک متغیر موهومی (۱= خانوار از سایرین کمکی دریافت کند و ۰= در غیر این صورت) تعریف شده است.

سن سرپرست: از سن سرپرست برای این متغیر استفاده شده است.

درآمد خانوار: درآمد عبارت است از لگاریتم درآمد واقعی خانوار که از تقسیم کل مخارج سالانه خانوار (به دلیل کم اظهاری در درآمد) بر شاخص قیمت مصرف‌کننده محاسبه شده است.

قیمت: از شاخص قیمت مصرف‌کننده برای گروه‌های مختلف از قبیل شاخص قیمت مصرف‌کننده برای سبزی‌ها، نان و غلات، روغن و چربی‌ها، قند، شکر و شیرینی، میوه‌ها، شیر و لبنیات، گوشت، کالاهای و خدمات غیرخوراکی، حمل و نقل، پوشاک، ارتباطات، انرژی، بهداشت و درمان، آموزش، دخانیات، تفریحی و فرهنگی و هتل و رستوران با سال پایه ۱۳۹۵=۱۰۰ برای متغیر قیمت استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱ آزمون روند موازی^۱

طبق ادبیات اقتصادسنجی، شرط اساسی در روش تفاضل در تفاضل این است که پیش از وقوع شوک (فقیرشدن خانوار) متغیر وابسته یا نتیجه در دو گروه کنترل و تیمار روند موازی داشته باشند. استنباط این فرض این است که اگر شوک یا مداخله مورد بررسی در گروه تیمار رخ نمی‌داد، روند متغیر نتیجه در گروه تیمار همان روند متغیر نتیجه در گروه کنترل است. با برقراری فرض روند موازی میان دو گروه، می‌توان بیان کرد که بدون اعمال مداخله یا شوکی، روند متغیر نتیجه تفاوتی با متغیر نتیجه گروه کنترل ندارد و هر گونه تغییر در متغیر نتیجه را به شوک ایجادشده نسبت داد.

1. Parallel Trend

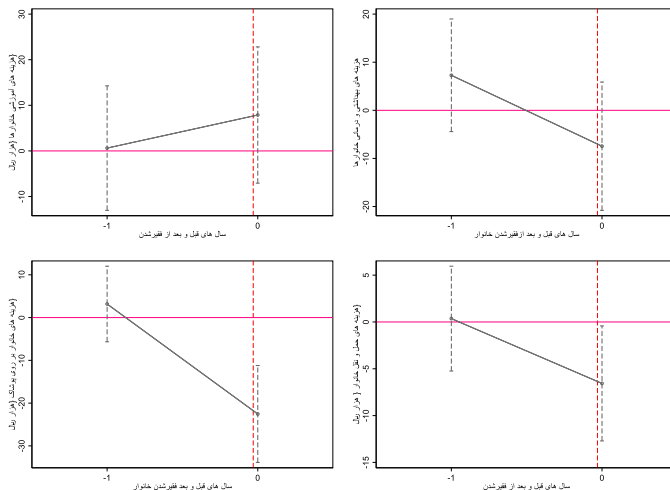
روند موازی متغیر نتیجه بین گروه‌های کنترل و درمان یکی از فرضیات اساسی در روش DID است. این فرضیه می‌تواند با رسم روند متغیرهای نتیجه در طول سالها آزمایش شود. ضریب تعامل بین متغیرهای دامی سال‌ها و متغیر موهومی درمان را محاسبه می‌شود تا فرضیه روندهای موازی را به تفکیک سال بین دو گروه آزمایش شود. همچنین، سال ۱۳۹۸، سال فقیرشدن خانوار، به عنوان سال مرجع در نظر گرفته میشود و با S در معادله ۲ نشان داده می‌شود. در نهایت، از معادله ۲ برای آزمون فرضیه روندهای موازی استفاده می‌شود.

$$\text{consum}_{i,r,g,t} = \vartheta_0 + \sum_{S=-1}^0 \beta_S P_{i,r}^S + \vartheta_2 Z_{i,t} + t_t + \gamma_{ir} + \varepsilon_{i,r,g,t} \quad (2)$$

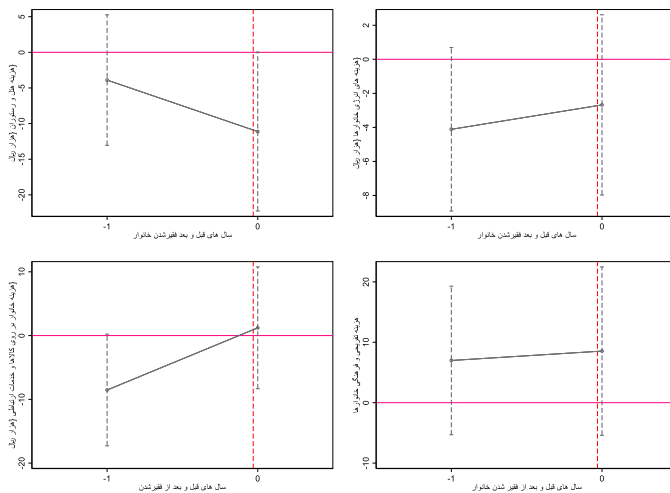
که در آن، $\text{consum}_{g,ist}$ متغیرهای نتیجه یا وابسته بوده و P نشان‌دهنده ضریب تعامل بین متغیر دامی هر سال و متغیر دامی درمان است. در جهت تعریف P ابتدا متغیرهای موهومی برای سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به تفکیک تعریف و سپس عبارت تقاطعی بین متغیر تیمار در متغیرهای موهومی به طور مجزا محاسبه شد. بنابراین، عبارت تقاطعی میان متغیر موهومی تیمار و سال یعنی P_s (چه قبل و چه بعد از فقیرشدن خانوار) برای خانوارهای گروه تیمار برابر یک و عبارت تقاطعی میان متغیر تیمار و متغیرهای سال برای گروه کنترل، برابر صفر است. در رابطه (۲)، توان S نشان‌دهنده سال مورد بررسی است و به ازای هر S (قبل فقیرشدن خانوار و بعد از آن) Ps متفاوت خواهد بود و ضریب متفاوتی به ازای هر سال S (۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) برآورد می‌شود. اگر ضریب β در ۱۳۹۷ بی‌معنا باشد، آنگاه می‌توان تأیید کرد که روند موازی میان دو گروه قبل از تیمار (فقیرشدن خانوار) برقرار است و تفاوت معناداری قبل از تیمار میان دو گروه وجود ندارد. اگر فرضیه روندهای موازی معتبر باشد، ضریب متغیر دامی P در سال قبل از فقیرشدن خانوار (۱۳۹۷) باید از نظر آماری بی‌معنا باشد. در این مطالعه نیز همانند سایر مطالعاتی که با روش تفاضل در تفاضل انجام شده، فرض روند موازی بین دو گروه یادشده مورد آزمون قرار گرفته و مانند کائو^۱ و همکاران (۲۰۲۳) از نمودارهایی برای بررسی این موضوع استفاده شده که در شکل ۲ نمایش داده شده‌اند. در این نمودارها محور افقی، نشان‌دهنده زمان پیش از فقیر شدن خانوارها و پس از فقیر شدن خانوار است. یعنی سال ۱۳۹۷ که خانوار فقیر محسوب نمی‌شوند را با "۱-" و سال ۱۳۹۸ که مصادف با پس از وقوع شوک فقر یا فقیرشدن خانوارها است، با "۰" نمایش داده شده است. محور عمودی نیز نشان‌دهند مخارج واقعی به تفکیک گروه‌ها است. نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۷، ضریب P از نظر آماری بی‌معنا بوده و خط‌چین عمودی در یک سال قبل مداخله

^۱. Cao

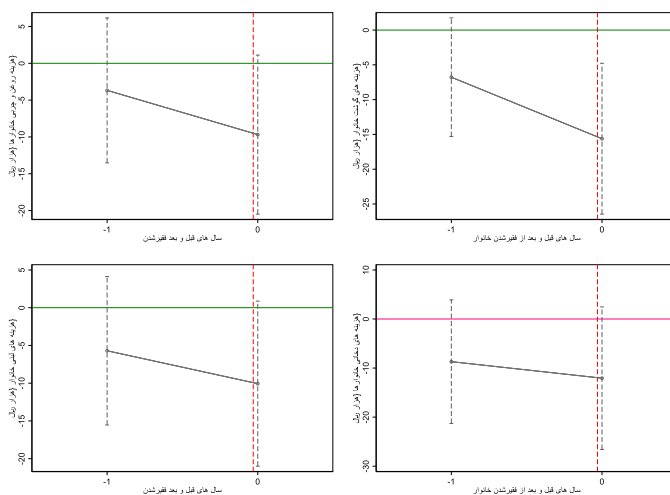
(۱-) روی خط افقی صفر قرار گرفته است. لذا ضریب P قبل فقیرشدن خانوار بی معنا بوده و فرضیه روندهای موازی معتبر است.



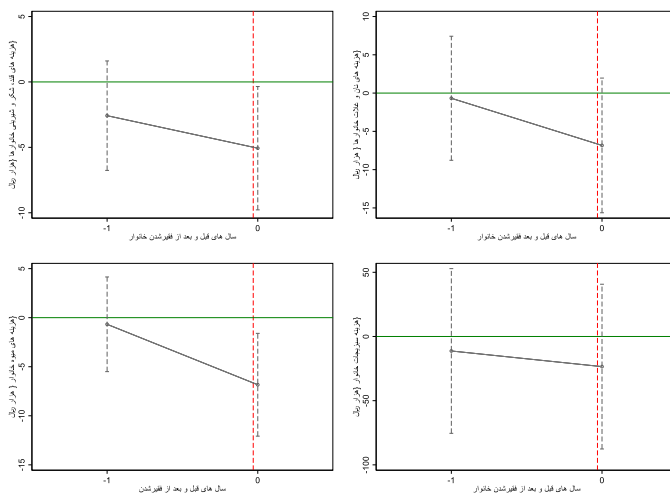
(الف). هزینه های حمل و نقل (ب). هزینه های پوشاک (پ). هزینه های بهداشتی (ت). هزینه های آموزشی



(ث). هزینه های تفریحی و فرهنگی (ج). هزینه های ارتباطات (چ). هزینه های انرژی (ح). هزینه های هتل و رستوران



شکل ۲. (خ). هزینه‌های دخانی (د). هزینه‌های شیر و لبنیات (ذ). هزینه‌های گوشت (ر). هزینه‌های روغن و چربی



شکل ۲. (ز). هزینه‌های سبزی‌ها (س). هزینه‌های میوه‌ها (ش). هزینه‌های نان و غلات (ص). هزینه‌های قند، شکر و شیرینی

شکل ۲. نمودارهای روند موازی برای گروه‌های مختلف خوراکی و غیرخوراکی در دو گروه کنترل و تیمار
منبع: یافته‌های پژوهش.

۴-۲ نتایج برآورد حاصل از مدل تفاضل در تفاضل و تفسیر آن

نتایج حاصل از برآورد رابطه ۱ برای گروه‌های غیرخوراکی در جدول ۱ ارائه شده است. نتایج گویای آن است که فقر اثر منفی و معناداری بر مخارج پوشاک، حمل و نقل و بهداشت و درمان

دارد که خلاف نتایج حاصل در فرضیه اثر ویلن، مصرف جبرانی و علامت‌دهی بوده و این امر را می‌توان به بودجه محدود خانوار فقیر نسبت داد. نتایج این مطالعه و مقایسه آن با نتایج حاصل در مطالعات گذشته در خصوص اثر فقر بر الگوی مصرف در برخی از کشورهای توسعه‌یافته مانند مطالعات لئو و لی (۲۰۲۰)، وانگ و همکاران (۲۰۲۰)، و ژنگ و همکاران (۲۰۱۸)؛ گویای آن است که فقر در ایران بسیار متفاوت با وضعیت فقر در کشورهایی مانند ایتالیا و چین است. شاید بتوان گفت ایران وضعیت حادثتری نسبت به این کشورها، در زمینه فقر دارد، به‌طوری‌که خانوارها در ایران در هنگام مواجهه با فقر، با محدودیت شدید بودجه مواجه شده و توانایی خود جهت خرید برخی از اقلام اساسی زندگی، مانند خرید مواد خوراکی را از دست می‌دهند. لذا خانوارهای فقیر ممکن است حتی از پس مخارج خوراکی خود برنایند، بنابراین بحث تخصیص بخشی از بودجه خود برای مصارف غیرضروری و لوکسی یا مصرف تظاهری موضوعیت ندارد. همچنین فقر اثر مثبت و معناداری در سطح معناداری یک درصد بر مخارج ارتباطات خانوار دارد. برای تفسیر نتیجه می‌توان گفت که خانوار فقیر، ممکن است در این شرایط تصمیم بگیرند برای خروج از دام فقر و کسب درآمد بیشتر در آینده، مهارت‌های بیشتری از طریق سایت‌ها و آموزش‌های مجازی کسب کنند، یا این که برای کسب درآمد بیشتر در دوره جاری، اقدام به انجام فعالیت‌های درآمدزا از طریق فضای مجازی، برنامه‌های آنلاین و پلتفرم‌های اینترنتی نمایند که نتیجه چنین تصمیمی، افزایش مخارج ارتباطات خانوار است. علاوه‌براین، فقیر شدن اثر معناداری بر مخارج مصرفی دخانیات، انرژی، آموزش، هتل و رستوران و تفریحی و فرهنگی ندارد.

جدول ۱. برآورد اثر فقر بر هزینه‌های گروه‌های مختلف غیرخوراکی خانوارها

متغیرهای وابسته	قبل از شوک			بعد از شوک			ضریب تفاضل در تفاضل
	تیمار	کنترل	تفاضل	تیمار	کنترل	تفاضل	
دخانیات	۶/۳۸	۶/۵۲	-۰/۱۵	۶/۲۷	۶/۸۷	-۰/۱۱	-۰/۰۴۰
پوشاک	-۲/۶۵	-۲/۳۷	-۰/۲۸***	-۲/۴۴	-۲/۴۸	۰/۰۴۰	-۰/۳۲***
بهداشت و درمان	-۰/۶۰	-۰/۴۹	-۰/۱۱*	-۰/۹۴	-۱/۰۱	۰/۰۸	-۰/۱۹**
حمل و نقل	-۳/۶۶	-۳/۵۸	-۰/۰۸	-۳/۸۶	-۳/۸۷	-۰/۰۰۳	-۰/۰۹*
انرژی	۷/۳۹	۷/۴۲	-۰/۰۳	۷/۲۰	۷/۲۵	-۰/۰۶**	-۰/۰۲
آموزش	-۶/۶۳	-۶/۷۱	۰/۰۸	-۶/۹۸	-۶/۹۴	-۰/۰۰۳	-۰/۱۱
هتل و رستوران	۰/۷۳	۰/۸۷	-۰/۱۴*	۰/۶۱	۰/۶۶	-۰/۰۰۵	-۰/۰۹
تفریح و سرگرمی	-۵/۱۷	-۵/۲۸	۰/۱۱	-۵/۲۶	-۵/۳۵	۰/۰۹	۰/۰۱
ارتباطات	۱/۰۸	۱/۰۶	-۰/۰۲	۰/۷۴	۰/۸۴	-۰/۱۱***	-۰/۱۲۲***

منبع: یافته‌های پژوهش.

یادداشت: **، * و * به ترتیب سطح معناداری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

در مطالعه حاضر، علاوه بر بررسی اثر فقر بر الگوی مصرف گروه‌های غیرخوراکی، اثر فقر بر الگوی مصرف اقلام خوراکی نیز برآورد شد که نتایج آن در قالب جدول ۲ ارائه شده است. نتایج حاصل در جدول ۳ نشان می‌دهد که شوک فقیرشدن، میزان مخارج مصرفی گروه سبزی‌ها، میوه‌ها، گوشت و قند، شکر و شیرینی‌ها را به ترتیب به میزان ۰/۳۷، ۰/۴۳، ۰/۳۷ و ۰/۲۳ واحد به‌طور معناداری کاهش می‌دهد، درحالی‌که اثر آن بر مخارج مصرفی گروه‌های نان و غلات، روغن و چربی‌ها و شیر و لبنیات معنادار نیست، بنابراین فقر اثر قابل توجهی بر الگوی مصرف خوراکی خانوارها در ایران داشته و این نتیجه با نتایج دومینگز-ویرا و همکاران (۲۰۲۳) و راسید و همکاران (۲۰۲۰) سازگار است. می‌توان گفت که در جریان فقر، خانوارها به ناچار ملزم به انتخاب برخی از اقلام خوراکی شده‌اند؛ آنان در جریان انتخاب مواد خوراکی مصرفی خود، به گونه‌ای سیرشدن را به هر عامل دیگری ترجیح داده‌اند. به‌طوری‌که در مصرف برخی از مواد خوراکی که حس سیری را برای آنان به ارمغان می‌آورد، تغییر معناداری ایجاد نمی‌کنند و مصرف برخی از گروه‌ها مانند سبزی‌ها و میوه‌ها که برای سلامت جسمی و رشد جسمانی افراد به ویژه کودکان مفیدند را به شکل معناداری کاهش داده‌اند یا از مصرف برخی مواد خوراکی مانند گوشت با توجه به درآمد و بودجه محدود، صرف‌نظر نموده‌اند.

جدول ۲. برآورد اثر فقر بر هزینه‌های گروه‌های مختلف خوراکی خانوارها

متغیرهای وابسته	قبل از شوک			پس از شوک			ضریب تفاضل در تفاضل
	کنترل	تیمار	تفاضل	کنترل	تیمار	تفاضل	
نان و غلات	۱۱/۴۴	۱۱/۳۳	-۰/۱۱	۱۱/۳۲	۱۱/۱۲	-۰/۲۰*	-۰/۰۹۶
سبزی‌ها	۷/۸۲	۷/۹۲	۰/۰۹۵	۸/۱۴	۷/۸۶	-۰/۲۷***	-۰/۳۷***
میوه‌ها	۴/۸۳	۴/۵۵	۰/۰۳	۵/۱۱	۴/۷۱	-۰/۴۰***	-۰/۴۳***
روغن و چربی‌ها	۹/۷۸	۹/۳۷	-۰/۱۱	۹/۵۴	۹/۳۵	-۰/۱۹**	-۰/۰۸
گوشت	۵/۴۴	۵/۳۶	-۰/۰۸۱	۵/۳۴	۴/۹۳	-۰/۴۵***	-۰/۳۷***
قند، شکر و شیرینی‌ها	۱۰/۸۱	۱۰/۸۲	۰/۰۱۵	۱۱/۵۶	۱۱/۲۵	-۰/۲۱۷**	-۰/۲۳*
شیر و لبنیات	۷/۰۸	۷/۱۰	۰/۰۲	۷/۰۴	۶/۸۹	-۰/۱۶*	-۰/۱۸

منبع: یافته‌های پژوهش.

یادداشت: ***، ** و * به ترتیب سطح معناداری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

در روش تفاضل در تفاضل علاوه بر اثر شوک یا سیاست، متغیرهای کنترلی دیگری نیز می‌توان به منظور کنترل سایر عوامل به مدل اضافه کرد. در این مطالعه همانطور که پیش‌تر بیان شد، از متغیرهای تحصیلات، جنسیت، بعد خانوار، سن، وضعیت شغلی، درآمد خانوار، وضعیت تأهل سرپرست، کمک‌های اجتماعی و قیمت به‌عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شد که ممکن است، نبود آن‌ها روند موازی میان دو گروه کنترل و تیمار را مخدوش نموده و نتایج نادرستی از اثر فقر بر الگوی مصرف گزارش شود؛ چرا که این عوامل ممکن است بین دو سال تغییر نمایند و حتی میان دو گروه یکسان نباشند تا با تفاضل‌گیری حذف شوند. از این رو در مطالعه حاضر اثر متغیرهای کنترلی یادشده بر الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی در ایران برآورد و نتایج آن در جدول‌های ۳ و ۴ ارائه گشت. نتایج برای گروه‌های خوراکی در جدول ۳ نشان می‌دهد که تحصیلات اثر منفی و معناداری بر مخارج مصرفی گروه شکر، قند و شیرینی و روغن و چربی‌ها و اثر مثبت و معناداری بر مخارج مصرفی میوه‌ها دارد، اما اثر آن بر سایر گروه‌های خوراکی معنی‌دار نیست. به‌عبارتی تحصیلات، آگاهی افراد از مضرات و فواید اقلام خوراکی را افزایش و افراد را به سمت افزایش مصرف کالاهای مفید و کاهش اقلام مضر، سوق می‌دهد که این مطابق نتایج فراسر و همکاران (۲۰۰۰) است. جنسیت، وضعیت شغلی و وضعیت تأهل اثر معناداری بر مخارج مصرفی هیچ یک از گروه‌های خوراکی ندارد. سن، اثر مثبت و معناداری بر مخارج گروه گوشت دارد. بُعد خانوار به‌طور معناداری مخارج تمامی گروه‌های خوراکی را افزایش می‌دهد. درآمد نیز اثر مثبت و معناداری بر مصرف تمامی گروه‌های خوراکی به غیر از نان و غلات و قند و شکر و

شیرینی‌ها دارد، چرا که سبب افزایش بودجه در دسترس خانوار شده و منابع آنان برای خرید کالاها را افزایش می‌دهد. کمک‌های اجتماعی نیز اثر منفی و معناداری بر مخارج قند، شکر و شیرینی‌ها، سبزی‌ها و روغن و چربی‌ها و اثر مثبت و معناداری بر مخارج شیر و لبنیات دارد، درحالی‌که اثر معناداری بر سایر گروه‌های خوراکی ندارد. قیمت نیز اثر منفی و معناداری بر تمامی گروه‌های خوراکی به غیر از نان و غلات و شیر و لبنیات دارد و این نتیجه موافق با قانون تقاضا است.

جدول ۳. برآورد اثر متغیرهای کنترلی بر هزینه‌های گروه‌های مختلف خوراکی خانوار با استفاده از روش تفاضل در تفاضل

متغیرها	نان و لبنیات	روغن و چربی‌ها	سبزی‌ها	نان و غلات	قند و شکر	میوه‌ها	گوشت
تحصیلات	-۰/۰۰۶	-۰/۰۱۴**	۰/۰۰۱	-۰/۰۱۲	-۰/۰۱۹***	۰/۰۱۴*	۰/۰۰۲
جنسیت	۰/۱۱	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۲۵	-۰/۰۰۱	-۰/۰۱۹	-۰/۰۰۶
بعد خانوار	۰/۰۰۹***	۰/۱۶۳***	۰/۱۱***	۰/۱۲***	۰/۱۳۹***	۰/۰۰۸***	۰/۱۲۳***
سن	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۲	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۳	۰/۰۱۲	۰/۰۰۳**
وضعیت شغلی	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۶۶	۰/۱۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵
وضعیت تأهل	۰/۱۲۶	۰/۱۳۲	۰/۰۰۳	-۰/۱۳۸	۰/۰۰۵	۰/۱۵	۰/۱۷۲
درآمد	۰/۲۱***	۰/۰۰۴***	۰/۲۳***	۰/۰۱۶	-۰/۰۱۲	۰/۴۳***	۰/۳۶***
کمک‌های اجتماعی	۰/۱۰*	-۰/۱۳۵***	-۰/۱۹***	۰/۰۱۰	-۰/۱۸***	-۰/۰۰۴	-۰/۰۱۱
قیمت	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳**	-۰/۰۰۴***	-۰/۰۰۱	-۰/۰۱***	-۰/۰۰۶***	-۰/۰۰۳*

منبع: یافته‌های پژوهش.

یادداشت: ***, ** و * به ترتیب سطح معناداری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

اثر متغیرهای کنترلی بر مخارج مصرفی گروه‌های غیرخوراکی نیز مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل در جدول ۴ نمایش داده شد. نتایج حاکی از این است که درآمد در تمامی گروه‌ها در تمامی گروه‌ها، مخارج را به صورت معناداری افزایش می‌دهد. بعد خانوار اثر مثبت و معناداری بر مخارج تمامی گروه‌ها جز مخارج گروه هتل و رستوران دارد. قیمت اثر منفی و معناداری بر مخارج تمامی گروه‌های غیرخوراکی به غیر از دخانیات دارد. سن اثر مثبت و معناداری بر مخارج تمامی گروه‌های غیرخوراکی جز حمل و نقل و هتل و رستوران دارد. تحصیلات نیز به طور معناداری، مخارج مصرفی تمامی گروه‌های غیرخوراکی جز هتل و رستوران و حمل و نقل را افزایش می‌دهد. جنسیت اثر منفی و معناداری بر مخارج پوشاک، آموزش و تفریح و سرگرمی و اثر مثبت و معناداری بر مخارج حمل و نقل دارد و اثر آن بر مخارج گروه‌های دخانیات، بهداشت و درمان، انرژی؛ هتل و رستوران و ارتباطات، معنادار نیست. وضعیت شغلی اثر منفی و معناداری بر مخارج گروه‌های بهداشت و درمان، انرژی، آموزش و تفریحی و فرهنگی دارد و اثر آن بر سایر گروه‌های غیرخوراکی معنادار نیست. کمک‌های اجتماعی نیز مخارج حمل و نقل و ارتباطات را به طور معناداری کاهش و مخارج انرژی، پوشاک و هتل و رستوران را افزایش می‌دهد و اثر آن بر مخارج دخانی، بهداشت و درمان، آموزش و تفریح و سرگرمی معنادار نیست. وضعیت تأهل نیز اثر منفی و معناداری بر مخارج هتل و رستوران و اثر مثبت و معناداری بر مخارج انرژی دارد و اثر آن بر سایر گروه‌های غیرخوراکی معنادار نیست.

جدول ۴. برآورد اثر متغیرهای کنترلی بر هزینه‌های گروه‌های مختلف غیرخوراکی خانوار با استفاده از روش تفاضل در تفاضل

متغیرها	ارتباطات	تفریح و سرگرمی	هتل و رستوران	آموزش	انرژی	حمل و نقل	بهداشت و درمان	پوشاک	دخانیات
تحصیلات	-۰/۰۲۳***	-۰/۰۳***	۰/۰۰۷	۰/۰۶۷***	-۰/۰۰۸***	۰/۰۰۳	-۰/۰۲۹***	-۰/۰۱**	-۰/۰۴***
جنسیت	-۰/۰۲۷	-۰/۳۸**	۰/۱۴۴	-۰/۶۱۷***	۰/۰۳۹	۰/۱۷***	-۰/۰۴	-۰/۲۰۹*	۰/۱۸
بعد خانوار	۰/۰۹۹***	۰/۱۹۵***	۰/۰۲۶	-۰/۱۲۰***	۰/۰۵۲***	۰/۰۶۵***	۰/۰۷۳***	۰/۱۲۰***	۰/۰۵***
سن	۰/۰۲۸***	۰/۰۲۵**	-۰/۰۰۶	۰/۰۷۵***	۰/۰۱۲***	۰/۰۰۳	۰/۰۲۹***	۰/۰۲۶***	۰/۰۳**
وضعیت شغلی	-۰/۰۰۸	-۰/۱۶۱**	-۰/۰۴۷	-۰/۲۰۶**	-۰/۰۴۰**	-۰/۰۱۹	-۰/۲۳۴***	۰/۰۱۶	۰/۰۴۷
وضعیت تأهل	۰/۰۳۰	۰/۱۳۹	-۰/۲۷۱***	۰/۲۶۵	۰/۰۹۱**	۰/۰۷۳	۰/۱۵	۰/۱۳۶	۰/۰۰۳
درآمد	۰/۶۸۰***	۰/۹۵۳***	۰/۷۲۲***	۱/۰۵***	۰/۲۹۵***	۱/۱۰***	۱/۰۸***	۱/۰۴***	۰/۲۴***
کمک‌های اجتماعی	-۰/۰۴۱***	-۰/۰۲۲	۰/۰۶*	۰/۰۲۱	۰/۰۲۵*	-۰/۰۶***	-۰/۰۰۷	۰/۰۷**	۰/۰۳
قیمت	-۰/۰۱۰***	-۰/۰۰۵***	-۰/۰۰۶***	-۰/۰۰۶*	-۰/۰۰۹***	-۰/۰۰۶***	-۰/۰۱۶***	-۰/۰۰۳*	-۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش.

یادداشت: ***, ** و * به ترتیب سطح معناداری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

۴-۲ آزمون پلاسبو^۱: بررسی استحکام نتایج

یکی دیگر از آزمون‌های مورد نیاز در برآورد مدل با رویکرد تفاضل در تفاضل که پس از برآورد اصلی انجام می‌شود، آزمون پلاسبو است. این آزمون با تغییر در گروه تیمار به یک گروه تیمار نادرست انجام می‌شود تا بررسی گردد آیا ضرابی که از روش تفاضل در تفاضل حاصل می‌شود، به‌درستی اثر شوک را نشان می‌دهند یا نتیجه بدست آمده ناشی از سیاست، مداخله، تغییر یا شوک دیگری است که همزمان با شوک مورد نظر (فقیر شدن خانوارها) در سال ۱۳۹۸ رخ داده است. به عبارتی این آزمون که به عنوان آزمون‌های پس از برآورد معرفی می‌گردد؛ این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا ضرایب حاصل همان اثر ناشی از شوک مورد نظر را به طور دقیق نشان می‌دهد یا خیر. به نوعی می‌توان بیان کرد که این آزمون استحکام نتایج حاصل از مدل تفاضل در تفاضل را بررسی می‌کند. در مطالعه حاضر، ابتدا گروه تیمار از خانوارهایی که در سال ۱۳۹۷ فقیر محسوب نمی‌شدند و در سال ۱۳۹۸ فقر را تجربه کرده‌اند به خانوارهایی تغییر یافت که در هر دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ فقیر محسوب می‌شدند و سپس مدل با گروه تیماری که به‌درستی انتخاب نشده بود، برآورد شد. نتایج حاصل از برآورد در این شرایط برای گروه‌های غیرخوراکی در جدول ۵ و برای گروه‌های خوراکی در جدول ۶ نمایش شده است. نتایج حاصل در قالب جداول ۵ و ۶ نشان می‌دهند که هیچکدام از ضرایب حاصل از برآورد با گروه تیمار نادرست که شوک فقر را تجربه نکرده‌اند، دیگر معنادار نیستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در مطالعه حاضر، گروه تیمار به‌درستی انتخاب شده و ضرایب حاصل از تفاضل در تفاضل که در جداول ۱ و ۲ ارائه شده، اثر فقیرشدن بر الگوی مصرف خانوار را نشان می‌دهد.

¹. Placebo Test

جدول ۵. آزمون پلاسبو در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای گروه‌های غیرخوراکی

متغیرهای وابسته	قبل از شوک			پس از شوک			تفاضل در
	کنترل	تیمار	تفاضل	کنترل	تیمار	تفاضل	
دخانیات	۵/۰۳	۴/۸۶	-۰/۱۲**	۵/۱۵	۵/۰۹	-۰/۰۷	۰/۱۰۸
پوشاک	-۲/۸۱	-۳/۱۰	۰/۲۹	-۲/۷۳	-۲/۸۹	-۰/۱۶***	۰/۱۳
بهداشت و درمان	-۱/۲۰	-۱/۳۰	۰/۰۹	-۰/۷۳	-۰/۸۴	-۰/۱۱**	-۰/۱۰
حمل و نقل	-۳/۳۳	-۳/۸۲	-۰/۲۰***	-۲/۹۰	-۳/۰۸	-۰/۱۷***	۰/۰۲
انرژی	۶/۶۱	۶/۵۲	-۰/۰۹***	۶/۷۵	۶/۶۵	-۰/۰۹***	-۰/۰۰۱
آموزش	-۶/۱۹	-۶/۰۸	۰/۱۱	-۵/۸۴	-۵/۸۳	۰/۰۱	-۰/۰۹
هتل و رستوران	۰/۸۱	۰/۷۳	-۰/۰۸	۱/۰۷	۱/۰۱	-۰/۰۵	۰/۰۲
تفریح و سرگرمی	-۵/۳۳	-۵/۳۰	۰/۰۳	-۵/۴۱	-۵/۳۰	۰/۱۰	۰/۰۷
ارتباطات	۰/۳۶	۰/۲۶	-۰/۰۹***	۰/۵۶	۰/۴۸	-۰/۰۸***	۰/۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش.

یادداشت: ****، ***، ** و * به ترتیب سطح معناداری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

جدول ۶. آزمون پلاسبو در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای گروه‌های خوراکی

متغیرهای وابسته	قبل از شوک			پس از شوک			تفاضل در
	کنترل	تیمار	تفاضل	کنترل	تیمار	تفاضل	
نان و غلات	۱۲/۰۸	۱۱/۸۳	-۰/۲۴***	۱۲/۰۷	۱۲/۰۰	-۰/۰۷	۰/۱۷
سبزی‌ها	۷/۴۲	۷/۰۴	-۰/۳۸***	۷/۶۸	۷/۳۴	-۰/۳۴***	۰/۴
میوه‌ها	۰/۷۴	۰/۵۶	+۰/۱۸***	۰/۹۳	۰/۷۹	-۰/۱۳***	-۰/۰۵
روغن و چربی‌ها	۹/۵۳	۹/۱۹	-۰/۳۴***	۹/۵۲	۹/۲۷	-۰/۲۵***	۰/۰۹
گوشت	۰/۶۵	۰/۴۹	-۰/۱۵***	۰/۶۹	۰/۵۵	-۰/۱۳***	-۰/۰۲
قند، شکر و شیرینی‌ها	۱۰/۹۴	۱۰/۶۱	-۰/۳۳***	۱۱/۵۴	۱۱/۳۳	-۰/۲۳***	۰/۱۱
شیر و لبنیات	۶/۶۰	۶/۲۱	+۰/۳۹***	۶/۳۲	۵/۹۵	-۰/۳۷***	۰/۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش.

یادداشت: ****، ***، ** و * به ترتیب سطح معناداری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در چند دهه اخیر، فقر به یک چالش جهانی تبدیل شده و به گفته سازمان ملل متحد در زمره سه مشکل اساسی توسعه اجتماعی-اقتصادی قرار گرفته است. اگر چه سازمان ملل متحد از سال ۲۰۲۰ تلاش‌های خود برای کاهش فقر را چندین برابر کرده، اما این مسأله در کشورهای در حال توسعه بسیار گسترش یافته و مشکلات بسیاری را برای این کشورها به وجود آورده است. در

راستای مشکلات ایجاد شده، فقر با تغییرات گسترده در الگوی مصرف خانوارها همراه شده و مسائل عمده‌ای برای خانوار به‌ویژه در بخش سلامت به وجود آورده است. بنابراین چنین نتایج نامطلوبی، مبارزه با فقر و پیشگیری از پیامدهای منفی آن برای مصرف و سلامت خانوار را به یک اولویت جهانی تبدیل کرده که اجرای اقدامات کارا در این زمینه را می‌طلبد و لازمه چنین اقداماتی شناسایی میزان و چگونگی اثرگذاری فقر بر الگوی خانوار است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که در قالب قانون اساسی، ریشه‌کن نمودن فقر را مورد تأکید قرار داده و اقداماتی نیز در جهت کاهش فقر انجام داده، اما به دلایل مختلف در این زمینه موفقیتی کسب نکرده و نرخ فقر در این کشور همچنان با روند فزاینده‌ای از سال ۱۳۸۵ افزایش یافته که می‌تواند سبب تغییراتی در الگوی مصرف خانوار شود. با این حال، با وجود اهمیت چنین مسأله‌ای، در ایران کمتر به تجزیه و تحلیل این موضوع با استفاده از مدل‌های کمی با در نظر گرفتن تمامی گروه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوارها پرداخته شده است. لذا این مطالعه با هدف شناسایی اثر فقر بر الگوی مصرف خانوار و ارائه استراتژی‌هایی در جهت کنترل پیامدهای منفی آن در ایران طی دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ انجام شد. بدین منظور ابتدا داده‌های مربوط به مصرف کالاها و خدمات مختلف در قالب شانزده گروه شامل هفت گروه کالاهای خوراکی و نه گروه کالاها و خدمات غیرخوراکی، داده‌های مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوار و قیمت‌ها در سطح مناطق شهری و روستایی هر استان، از پایگاه مرکز آمار ایران استخراج شد. سپس با استفاده از مدل تفاضل در تفاضل، اثر شوک فقر بر الگوی مصرف خانوار برآورد شد.

نتایج اصلی حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که فقیرشدن خانوار عامل اساسی در تعیین الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی ایران محسوب می‌شود. در این میان فقیرشدن خانوارها در سال ۱۳۹۸، سبب کاهش مخارج مصرفی کالاها و خوراکی و افزایش مخارج غیرخوراکی خانوارها شده است. بررسی موضوع در لایه‌های عمیق‌تر به تفکیک گروه‌های مختلف خوراکی نیز حاکی از آن است که فقر سبب کاهش معناداری در مخارج مصرفی برخی از کالاها یعنی میوه‌ها، سبزی‌ها، گوشت و قند و شکر و شیرینی‌ها شده، اما اثر معناداری بر مخارج مصرفی برخی از گروه‌های خوراکی مانند نان و غلات نداشته است. همچنین، فقر سبب افزایش مخارج برخی از گروه‌های غیرخوراکی مانند مخارج ارتباطات شده است. در نهایت طبق نتایج حاصل در این مطالعه، فقر اثر معناداری بر مخارج مصرفی انرژی، آموزش، دکانیات، هتل و رستوران و مخارج تفریحی و فرهنگی نداشت.

بنابراین با توجه به اثر نامطلوب فقر بر الگوی مصرف مواد غذایی خانوارها و پیامدهای منفی احتمالی آن بر امنیت غذایی و در نهایت سلامت فقرا، دولت می‌تواند با اجرای سیاست‌های

حمایتی مطلوب و با پرداخت کمک هزینه‌هایی با هدف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و خانوارهایی که به دلایل مختلف به ویژه جهش‌های ارزی و افزایش قیمت مواد غذایی ناشی از آن به زیر خط فقر کشیده شده‌اند، نقش مؤثری در معیشت آنان داشته باشد. دولت می‌بایست در تنظیم برنامه‌های حمایتی خود به الگوی مصرف خانوار فقیر و نقشی که فقر در الگوی مصرف اقلام خوراکی خانوار ایفا می‌نماید، توجه داشته باشد. طبق نتایج این مطالعه فقر سبب کاهش مصرف برخی از اقلام خوراکی مانند سبزی‌ها، میوه‌ها و گوشت‌ها شده است که ممکن است نقش اساسی در رشد جسمی کودکان، سلامت روحی و جسمی افراد و تقویت سیستم ایمنی ایفا کنند، بنابراین بایستی دولت به چنین نتایجی نگاه ویژه‌ای داشته باشد. از این‌رو، دولت و نهادهای ذی‌ربط می‌تواند از طریق اقداماتی که ممکن است مصرف گروه‌های یادشده را ارتقا دهد، مانند توانمندسازی خانوارهای فقیر و افزایش درآمد آنان، توزیع میوه و گوشت یارانه‌ای با قیمت بسیار پایین در میان خانوارهای فقیر و سوبسیدها، مانع از تغییرات جدی در الگوی مصرف مواد خوراکی فقرا شده و عوارض ناشی از تغییرات نامناسب در الگوی مصرف مواد خوراکی بر امنیت غذایی و سلامت این خانوارها را به حداقل برساند. با توجه به اثر منفی فقر بر مخارج کالاها و خدمات بهداشتی، لازم است، خانوارهای فقیر شناسایی شده و بیمه‌های درمانی، کالاها و خدمات پزشکی رایگان در قالب طرح‌های سلامت مختلف در دسترس آنان قرار گیرد، چراکه خانوارهای فقیر احتمالاً به علت بودجه محدود خود، از هزینه روی کالاها و خدمات بهداشتی- درمانی صرف نظر نموده و هزینه‌های بهداشتی خود را کاهش داده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

کلیه موازین اخلاقی پژوهشی در این تحقیق رعایت شده است.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع بین نویسندگان وجود ندارد.

منابع

- پاسبانی، ابوالفضل، و متوسلی، محمود. (۱۳۹۱). مصرف تظاهری در آرای تورستین ویلن و موضوع پس انداز. *تحقیقات اقتصادی*، ۱ (۹۸)، ۲۰۵-۲۴۱.
- جعفری، سمیه، مؤمنی، فرشاد، شاکری، عباس، و راغفر، حسین. (۱۴۰۰). ارزیابی فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران به عنوان شاخصی از توسعه عادلانه. *سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۱۳ (۲۶)، ۳۱۵-۳۳۷.
- شیری، محمد، قاضی طباطبایی، محمود، صادقی، رسول، و راغفر، حسین. (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی و جمعیتی در تغییرات الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی ایران. *توسعه محلی (شهری-روستایی)*، ۷ (۱)، ۲۸-۱.
- درگاهی، حسن، و بیرانوند، امین. (۱۳۹۸). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اعتیاد در ایران با تأکید بر ادوار تجار. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۲۰ (۷۸)، ۱۰۵-۱۳۵.
- عزیزی، جلیل. (۱۳۸۷). فقر اقتصادی و سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان شهر تهران و شمیرانات. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۹)، ۶۷-۸۶.
- غروی نخجوانی، احمد. (۱۳۸۴). فقر در خانوارهای ایرانی (با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار در ایران). *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵ (۱۷)، ۹۳-۱۱۸.
- کریمی، محمد شریف، و حشمتی دایاری، الهام. (۱۴۰۰). بررسی آثار نامتقارن نرخ ارز بر فقر در ایران. *مجله توسعه و سرمایه*، ۱۰ (۱۰)، ۱۶۳-۱۸۱.
- معیری، فرزاد، زاینده‌رودی، محسن، جلالی اسفندآبادی، سیدعبدالمجید و مهرابی بشرآبادی، حسین. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر جهش پولی نرخ ارز بر فعالیت های عمده و اصلی اقتصاد در ایران. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۸ (۲)، ۱۰۵-۱۲۴.
- یوسفی، کوثر، و سبحانی، فاطمه‌زهرا. (۱۳۹۵). ارزیابی سیاستی اثر توافقات ترجیحی بر سهم بازار ایران در کشورهای طرف توافق، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۱ (۱)، ۲۳-۵۶.
- کاویانی، زهرا، پهلوانی، محمد صابر، و بیرجندی، محمد صادق. (۱۴۰۲). وضعیت فقر و ویژگی‌های فقر در دهه گذشته (دهه ۹۰)، گزارش ۱۸۹۵۵. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

Adamkovič, M., & Martončík, M. (2017). A Review of Consequences of Poverty on Economic Decision-Making: A Hypothesized Model of a Cognitive Mechanism. *Frontiers in psychology*, 8, 1784.

Ai, H., Zhong, T., & Zhou, Z. (2022). The Real Economic Costs of COVID-19: Insights from Electricity Consumption Data in Hunan Province, China. *Energy Economics*, 105, 105747.

Amurwon, J., Hajdu, F., Yiga, D. B., & Seeley, J. (2017). "Helping My Neighbor Is Like Giving a Loan..."—The Role of Social Relations in Chronic Illness in Rural Uganda. *BMC Health Services Research*, 17(1), 1-12.

Amega, D. A., Churchill, R. E., Ocloo, J. E., & Churchill, S. A. (2023). Energy Poverty and Alcohol Consumption. *World Development Sustainability*, 3, 100109.

Baloch, M. A., Khan, S. U. D., & Ulucak, Z. Ş. (2020). Poverty and Vulnerability of Environmental Degradation in Sub-Saharan African Countries: What Causes What? *Structural Change and Economic Dynamics*, 54, 143-149.

Banuri, S., & Nguyen, H. (2023). Borrowing to Keep Up (with the Joneses): Inequality, Debt, and Conspicuous Consumption. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 206, 222-242.

Bilgic, A., & Yen, S. T. (2013). Household Food Demand in Turkey: A Two-Step Demand System Approach. *Food Policy*, 43, 267-277.

Cao, J., Li, W., & Hasan, I. (2023). The Impact of Lowering Carbon Emissions on Corporate Labor Investment: A Quasi-Natural Experiment. *Energy Economics*, 121, 106653.

Cheng, Z. (2021). Education and Consumption: Evidence from Migrants in Chinese Cities. *Journal of Business Research*, 127, 206-215.

Chen, Q., Lu, S., Xiong, K., & Zhao, R. (2021). Coupling Analysis on Ecological Environment Fragility and Poverty in South China Karst. *Environmental Research*, 201, 111650.

Chhetri, P., Hossain, M. I., & Broom, A. (2014). Examining the Generational Differences in Consumption Patterns in South East Queensland. *City, Culture and Society*, 5(4), 1-9.

Cirera, X., & Masset, E. (2010). Income Distribution Trends and Future Food Demand. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 365(1554), 2821-2834.

De Bruijn, E. J., & Antonides, G. (2022). Poverty and Economic Decision Making: A Review of Scarcity Theory. *Theory and Decision*, 92(1), 5-37.

Dominguez-Viera, M. E., van den Berg, M., Handgraaf, M., & Donovan, J. (2023). Influence of Poverty Concerns on Demand for Healthier Processed Foods: A Field Experiment in Mexico City. *Economics & Human Biology*, 49, 101215.

Fraser, G. E., Welch, A., Luben, R., Bingham, S. A., & Day, N. E. (2000). The Effect of Age, Sex, and Education on Food Consumption of a Middle-Aged English Cohort—EPIC in East Anglia. *Preventive Medicine*, 30(1), 26-34.

Gill, R., Karim, M. E., Puyat, J. H., Guhn, M., Janus, M., Petteni, M. G., ... & Gadermann, A. (2023). Childhood Poverty and School Readiness: Differences by Poverty Type and Immigration Background. *SSM-Population Health*, 25, 101563.

Hayat, N., Mustafa, G., Alotaibi, B. A., Nayak, R. K., & Naeem, M. (2023). Households' Food Consumption Pattern in Pakistan: Evidence from Recent Household Integrated Economic Survey. *Heliyon*, 9(9), 1-12.

Hipsher, S. (2013). *The Private Sector's Role in Poverty Reduction in Asia*. Amsterdam: Elsevier.

Kaus, W. (2013). Conspicuous Consumption and "Race": Evidence from South Africa. *Journal of Development Economics*, 100(1), 63-73.

Khalili, N., Arshad, M., Farajzadeh, Z., Kächele, H., & Müller, K. (2021). Does drought affect smallholder health expenditures? Evidence from Fars Province, Iran. *Environment, Development and Sustainability*, 23, 765-788.

Khamis, M., Prakash, N., & Siddique, Z. (2012). Consumption and Social Identity: Evidence from India. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 83(3), 353-371.

Kroshus, E. (2008). Gender, Marital Status, and Commercially Prepared Food Expenditure. *Journal of Nutrition Education and Behavior*, 40(6), 355-360.

Lassen, A. D., Lehmann, C., Andersen, E. W., Werther, M. N., Thorsen, A. V., Trolle, E., ... & Tetens, I. (2016). Gender Differences in Purchase Intentions and Reasons for Meal Selection among Fast Food Customers—Opportunities for Healthier and More Sustainable Fast Food. *Food Quality and Preference*, 47, 123-129.

Liu, T., & Li, M. (2020). Leisure & Travel as Class Signifier: Distinction Practices of China's New Rich. *Tourism Management Perspectives*, 33, 100627.

Lopreite, M., & Zhu, Z. (2020). The Effects of Ageing Population on Health Expenditure and Economic Growth in China: A Bayesian-VAR Approach. *Social Science & Medicine*, 265, 113513.

Malik, S. J., Nazli, H., & Whitney, E. (2015). Food Consumption Patterns and Implications for Poverty Reduction in Pakistan. *The Pakistan Development Review*, 54(4), 651-669.

Ma, W., Vatsa, P., & Zheng, H. (2022). Nonfarm Employment and Consumption Diversification in Rural China. *Economic Analysis and Policy*, 76, 582-598.

Moav and, O., & Neeman, Z. (2012). Saving Rates and Poverty: The Role of Conspicuous Consumption and Human Capital. *The Economic Journal*, 122(563), 933-956.

Mullainathan, S., & Spiess, J. (2017). Machine Learning: An Applied Econometric Approach. *Journal of Economic Perspectives*, 31(2), 87-106.

Pereira, S. L. M., Di Donato, G., Pillon, S. C., Vedana, K. G. G., Júnior, A. D. C. P., & Miaso, A. I. (2022). Predictors of Job Stress and Alcohol Consumption amongst University Professors. *Archives of Psychiatric Nursing*, 40, 137-146.

Rasyid, M., Kristina, A., & Yuliani, T. (2020). Poverty Conditions and Patterns of Consumption: An Engel Function Analysis in East Java and Bali, Indonesia. *Asian Economic and Financial Review*, 10(10), 1062.

Rodrigues, H., Gómez-Corona, C., & Valentin, D. (2020). Femininities & Masculinities: Sex, Gender, and Stereotypes in Food Studies. *Current Opinion in Food Science*, 33, 156-164.

Sarti, S., Terraneo, M., & Bordogna, M. T. (2017). Poverty and Private Health Expenditures in Italian Households during the Recent Crisis. *Health Policy*, 121(3), 307-314.

Schmidt, K. L., Merrill, S. M., Gill, R., Miller, G. E., Gadermann, A. M., & Kobor, M. S. (2021). Society to Cell: How Child Poverty Gets “under the Skin” To Influence Child Development and Lifelong Health. *Developmental Review*, 61, 100983.

Shah, A. K. (2016). Social Class and Scarcity: Understanding Consumers Who Have Less. In *The Cambridge Handbook of Consumer Psychology* (673-692). Cambridge: Cambridge University Press.

Song, Y., & Zhou, G. (2019). Inequality of Opportunity and Household Education Expenditures: Evidence from Panel Data in China. *China Economic Review*, 55, 85-98.

Wu, X., & Ma, Y. (2023). Research on the Comparison Effect of Urban Residents' Consumption. *Journal of Business Research*, 160, 113812.

Wang, W., Ma, T., Li, J., & Zhang, M. (2020). The Pauper Wears Prada? How Debt Stress Promotes Luxury Consumption. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 56, 102144.

Yannakoulia, M., Panagiotakos, D. B., Pitsavos, C., Tsetsekou, E., Fappa, E., Papageorgiou, C., & Stefanadis, C. (2008). Eating Habits in Relations to Anxiety Symptoms among Apparently Healthy Adults; a Pattern Analysis from the ATTICA Study. *Appetite*, 51(3), 519-525.

Zasimova, L. (2022). The Association between Fast-Food Consumption and Job-Related Factors among Russian Adults. *Economics & Human Biology*, 46, 101147.

Zeng, Q., He, Z., & Zeng, Y. (2023). Public Procurement, Consumers' Preference and Poverty Alleviation through Consumption. *Socio-Economic Planning Sciences*, 87, 101514.

Zheng, X., Baskin, E., & Peng, S. (2018). Feeling Inferior, Showing Off: The Effect of Nonmaterial Social Comparisons on Conspicuous Consumption. *Journal of Business Research*, 90, 196-205.